



شنبه دوم شهریور ماه ۱۳۹۸

سال هفتاد و پنجم شماره ۲۱۶۸۲

روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

شامل: قوانین - مذاکرات مجلس شورای اسلامی - رویه‌های قضایی - عهدنامه‌ها - آئیننامه‌ها

WWW.RRK.IR
WWW.DASTOUR.IR

تصویب‌نامه‌ها - تصمیم‌نامه‌ها - اساسنامه‌ها و آگهیها

تک شماره ۱۵۰۰ تومان

صفحه	دستگاه اجراءکننده	تاریخ تصویب	عنوان مندرجات (قوانین و مقررات و مصوبات آراء وحدت رویه)
۱	شورای عالی بیمه کشور	۱۳۹۸/۲/۳۱	رأی شماره ۲۸۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال بند ۲ ماده ۱ و ماده ۲ دستورالعمل نحوه تعیین خسارت موضوع تبصره‌های ۳ و ۴ ماده ۸ قانون بیمه اجباری خسارت وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه
۶	شورای عالی شهرسازی و معماری ایران	۱۳۹۸/۳/۲۱	رأی شماره ۵۰۶ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال بند ۶ صور تجلسه مورخ ۱۳۹۶/۲/۱۳ کمیسیون ماده ۵ قانون تاسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران مستقر در شهر تبریز
۷	سازمان امور اداری و استخدامی کشور	۱۳۹۸/۳/۲۱	رأی شماره ۵۰۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال بخشنامه شماره ۱۳۶۷/۲/۷-۴۳/۱۴۴ مدیرکل دفتر امور تولید و صنعتی سازمان امور اداری و استخدامی کشور
۹	وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی	۱۳۹۸/۳/۲۱	رأی شماره ۵۱۲ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال بند ۲ نامه شماره ۱۳۹۴/۸/۲۷-۵/۲۰۹/۴۹۶۹ اداره کل منابع انسانی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی
۱۰	شعب دیوان عدالت و سایر مراجع اداری	۱۳۹۸/۳/۲۱	رأی شماره ۵۶۴ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری
۱۱	شعب دیوان عدالت و سایر مراجع اداری	۱۳۹۸/۳/۲۱	رأی شماره ۵۶۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: اعمال مقررات ماده ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری نسبت به رأی شماره ۱۳۶۹/۵/۱۰-۴۳۷ هیأت عمومی و تسری ابطال مصوبه ابطال شده به زمان تصویب
۱۲	شعب دیوان عدالت و سایر مراجع اداری	۱۳۹۸/۳/۲۱	رأی شماره ۵۶۶ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری
۱۳	شعب دیوان عدالت و سایر مراجع اداری	۱۳۹۸/۳/۲۱	رأی شماره ۵۶۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری
۱۶	شورای اسلامی شهر آزادشهر	۱۳۹۸/۳/۲۱	رأی شماره ۵۷۸ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال وضع عوارض به میزان دو برابر در تبصره‌های ۱، ۷ و ۴ از تعرفه عوارض شهرداری در سال ۱۳۹۴ مصوب شورای اسلامی شهر آزادشهر

خسارت وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.
مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۸/۲/۳۱ شماره دادنامه: ۲۸۵ شماره پرونده: ۹۳۱/۹۷
مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری
شاکی: آقای پرویز فرج تبار

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بند ۲ ماده ۱ و ماده ۲ «دستورالعمل نحوه تعیین خسارت موضوع تبصره‌های ۳ و ۴ ماده ۸ قانون بیمه اجباری خسارت وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه»

قوانین و مقررات عمومی

۱۳۹۸/۳/۲۵

شماره ۹۷۰۰۹۳۱

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۸۰۱۰۲۸۵ مورخ ۱۳۹۸/۲/۳۱ با موضوع: «ابطال بند ۲ ماده ۱ و ماده ۲ دستورالعمل نحوه تعیین خسارت موضوع تبصره‌های ۳ و ۴ ماده ۸ قانون بیمه اجباری

شخص ثالث حداقل تعهدات بدنی را معادل حداقل ریالی دیه یک مرد مسلمان در ماههای حرام با رعایت تبصره ماده (۹) این قانون است و در هر حال بیمه‌گذار موظف به اخذ الحاقیه نمی‌باشد. همچنین حداقل مبلغ بیمه موضوع این قانون در بخش خسارت مالی معادل دو و نیم درصد (۲/۵٪) تعهدات بدنی است. بیمه‌گذار می‌تواند برای جبران خسارتهای مالی بیش از حداقل مزبور، در زمان صدور بیمه‌نامه یا پس از آن، بیمه تکمیلی تحصیل کند. به همین منظور براساس تبصره یک ماده ۸ قانون اصلاحی بیمه شخص ثالث، در صورتی که بیمه‌گذار در خصوص خسارتهای مالی تقاضای پوشش بیمه‌ای بیش از سقف مندرج در این ماده را داشته باشد بیمه‌گر مکلف به انعقاد قرارداد بیمه تکمیلی با بیمه‌گذار می‌باشد. حق بیمه در این مورد در چهارچوب ضوابط کلی که توسط بیمه مرکزی اعلام می‌شود، توسط بیمه‌گر تعیین می‌گردد.

۵ - قانونگذار به منظور مشخص کردن حداکثر پوشش تکمیلی خسارت در بخش مالی بر اساس تبصره ۳ و ۴ ماده ۸ به میزان ۵۰ درصد سقف تعهدات بدنی بیمه‌نامه که در ابتدای هر سال مشخص می‌شود را تعیین نموده است و براساس تبصره ۵ نسبت به رعایت این ماده اعلام نظر نمایند.

۶ - متأسفانه دستورالعمل شماره ۲۹۹۲-۱۳۹۶/۸/۳ مغایر با موضوع بیمه مسئولیت شخص ثالث و ماده ۱ قانون مسئولیت و ماده ۳۲۸ تا ماده ۳۳۵ قانون مدنی بوده و مشکلات حقوقی عدیده‌ای را برای مسببین و زیان‌دیدگان حوادث رانندگی اعم از خودروهای متعارف و نامتعارف به بار می‌آورد. بطور مثال براساس این دستورالعمل هرگاه راننده وسیله نقلیه مسبب حادثه که دارای پوشش تکمیلی خسارت مالی تا سقف ۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال می‌باشد به علت تخطی از قوانین راهنمایی و رانندگی مقصر شناخته شده و منجر به ایجاد خسارت مالی به مبلغ ۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به یک دستگاه خودروی نامتعارف به ارزش ۳/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال گردد براساس این دستورالعمل حداکثر تعهدات بیمه‌گر بیمه شخص ثالث مقصر حادثه علی‌رغم داشتن پوشش تکمیلی در بخش مالی و پرداخت حق بیمه اضافی به بیمه‌گر، خسارت قابل پرداخت بیمه‌نامه مقصر حادثه با اعمال قاعده نسبی براساس ارزش خودروی متعارف (ارزش خودروی متعارف براساس تعهدات بدنی سال ۱۳۹۷ به مبلغ ۱/۵۴۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال) به مبلغ ۱۳۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال به شرح ذیل قابل پرداخت بوده و تکلیف مابقی تعهدات ایجاد شده توسط مقصر حادثه براساس مواد قانونی مسئولیت نامعلوم می‌باشد.

۱۳۲،۰۰۰،۰۰۰ = ۱،۵۴۰،۰۰۰ × ۳،۵۰۰،۰۰۰ / ۳،۵۰۰،۰۰۰ ریال

حتماً در پاسخ به این اشکال قانونی و فنی، خواهند گفت مالک خودروی نامتعارف موظف است نسبت به اکتیای بیمه‌نامه بدنه اقدام نماید ولی در هیچ یک از قانون مدنی ایران افراد را مجاب به عقد قرارداد بیمه اموال خود را ننموده و براساس ماده ۱۰ قانون مدنی به افراد اجازه و امکان می‌دهد آزادانه به انعقاد هرگونه قراردادی که مایلند اقدام نمایند به شرط آن که قراردادهای آنها مخالف صریح و آشکار قانون نباشد. با فرض داشتن بیمه‌نامه بدنه توسط مالک خودروی نامتعارف، تکلیف ماده ۳۰ قانون بیمه و فرانشیز و تخفیفات بیمه‌نامه بدنه زیان‌دیده که هیچ‌گونه قصوری در ایجاد حادثه رانندگی نداشته و همچنین ماده ۴ و ۱۹ قانون بیمه چیست؟ همچنین براساس ماده ۱۱ قانون اصلاحی بیمه شخص ثالث درج هرگونه شرط در بیمه‌نامه که برای بیمه‌گذار یا زیان‌دیده مزایای کمتر از مزایای مندرج در این قانون مقرر کند، یا درج شرط تعلیق تعهدات بیمه‌گر در قرارداد به هر نحوی، باطل و بلااثر است. بطلان شرط سبب بطلان بیمه‌نامه نمی‌شود. همچنین اخذ هرگونه رضایت‌نامه از زیان‌دیده توسط بیمه‌گر و صندوق مبنی بر رضایت به پرداخت خسارت کمتر از مزایای مندرج در این قانون ممنوع است و چنین رضایت‌نامه‌ای بلااثر است. در واقع قانونگذار براساس تبصره ۳ و ۴ ماده ۸ قانون اصلاحی بیمه شخص ثالث تکلیف حداقل و حداکثر پوشش مالی را مشخص نموده نه اعمال قاعده نسبی خسارت.

۷- براساس ماده ۱۸ قانون اصلاحی بیمه شخص ثالث تکلیف تهیه آیین‌نامه توسط بیمه مرکزی و تأیید شورای عالی بیمه و تصویب هیأت وزیران را مشخص نموده است و اشاره‌ای به تعیین چگونگی تعهدات خودروی متعارف و یا خودروی نامتعارف ننموده و تأکید گردیده که آیین‌نامه قانون اصلاحی بیمه اجباری شخص ثالث توسط بیمه مرکزی تهیه و پس از تأیید شورای عالی بیمه به تصویب هیأت وزیران برسد ولی در دستورالعمل شماره ۲۹۹۲-۱۳۹۶/۸/۳ صرفاً توسط بیمه مرکزی تهیه و به تصویب شورای عالی بیمه

گردش کار: شاکی به موجب دادخواست و لایحه تکمیلی ابطال بند ۲ ماده ۱ ماده ۲ «دستورالعمل نحوه تعیین خسارت موضوع تبصره‌های ۳ و ۴ ماده ۸ قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه» را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

«با سلام و احترام

به استحضار عالی جناب می‌رساند اینجانب پرویز فرج‌تبار کارشناس رسمی دادگستری در امور بیمه طی نامه شماره فوق‌الذکر پیوست [۱/۳۴/۵۰۹۷-۲/۲/۱۳۹۷] به رئیس شورای عالی بیمه کشور خواستار تجدیدنظر در اجرای دستورالعمل شماره ۲۹۹۲-۱۳۹۶/۸/۳ نحوه تعیین خسارت موضوع تبصره‌های ۳ و ۴ قانون بیمه اجباری شخص ثالث که مغایر با ماده ۱ قانون مسئولیت و ماده ۳۲۸ الی ۳۳۵ قانون مدنی و ماده ۴ و ۱۹ و ۳۰ قانون بیمه می‌باشد شده که طی پیگیریهای به عمل آمده به صورت شفاهی و تلفنی از سوی واحد نظارت فنی اظهار داشتند که این دستورالعمل بر اساس ماده ۸ قانون بیمه اجباری می‌باشد و قابل تجدیدنظر نمی‌باشد. علیهذا از آن مقام قضایی درخواست بررسی و صدور رأی به لغو دستورالعمل فوق‌الذکر از تاریخ صدور به جهت حفظ حقوق جامعه بیمه‌گذاران و به استناد ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی و ماده ۳۲۸ الی ۳۳۵ قانون مدنی و ماده ۴ و ۱۹ و ۳۰ قانون بیمه خواستارم.»

متن نامه ۱/۳۴/۵۰۹۷-۲/۲/۱۳۹۷ شاکی به رئیس شورای عالی بیمه که در متن دادخواست به آن اشاره کرده، به قرار زیر است:

«جناب آقای دکتر همتی

ریاست محترم شورای عالی بیمه و رئیس کل بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران موضوع: دستورالعمل نحوه تعیین خسارت موضوع تبصره‌های ۳ و ۴ ماده ۸ قانون بیمه اجباری با سلام و احترام

بازگشت به جلسه مورخ ۱۳۹۶/۵/۲۹ شورای عالی بیمه و پیرو ارسال دستورالعمل شماره ۲۹۹۲-۱۳۹۶/۸/۳ نحوه تعیین خسارت موضوع تبصره‌های ۳ و ۴ ماده ۸ قانون بیمه اجباری شخص ثالث به شرکتهای بیمه کشور، به این وسیله موارد به شرح ذیل جهت بررسی و تجدید نظر در اجرای دستورالعمل فوق‌الذکر به استحضار می‌رسد:

۱- به استناد ماده ۲ قانون اصلاحی شخص ثالث، کلیه دارندگان وسایل نقلیه موضوع این قانون اعم از اینکه اشخاص حقیقی یا حقوقی باشند مکلفند وسایل نقلیه خود را در قبال خسارت بدنی و مالی که در اثر حوادث وسایل نقلیه مذکور به اشخاص ثالث وارد می‌شود حداقل به مقدار مندرج در ماده (۸) این قانون نزد شرکت بیمه‌ای که مجوز فعالیت در این رشته را از بیمه مرکزی داشته باشد، بیمه کنند.

۲- به استناد ماده یک قانون بیمه شخص ثالث مصوب ۱۳۴۷/۹/۲۶ کلیه دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی و انواع یدک و تریلر متصل به وسایل مزبور و قطارهای راه‌آهن اعم از این که اشخاص حقیقی یا حقوقی باشند مسئول جبران خسارات بدنی و مالی هستند که در اثر حوادث وسایل نقلیه مزبور و یا محمولات آنها به اشخاص ثالث وارد شود و مکلف هستند مسئولیت خود را از این جهت نزد شرکت سهامی بیمه ایران و یا یکی از موسسات بیمه داخلی بیمه نمایند.

۳- از مفاد قانون قدیم و اصلاحی بیمه شخص ثالث چنین استنباط می‌شود به استناد ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ و ماده ۳۲۸ تا ۳۳۵ قانون مدنی و براساس نظریه خطر، کلیه دارندگان وسایل نقلیه موتوری موظف هستند مسئولیت ناشی از حوادث رانندگی اعم از جانی و یا مالی را بیمه نمایند. دستور و ماهیت ماده قانونی بیمه شخص ثالث گسترده و فراگیر بوده و تمام دارندگان وسیله‌های نقلیه موتوری را مسئول و پاسخگوی جبران خسارات وارده اعم از مالی و یا جانی براساس اصل نظریه خطر و یا نظریه تضمین حق پایه‌گذاری شده است.

۴- از ویژگی بیمه‌های مسئولیت اشخاص ثالث علی‌رغم اینکه تابع اصل غرامت است، اعمال ماده ۳۰ و ۱۰ قانون بیمه موضوعیت ندارد و تنها موارد استثناء عدم جانشینی بیمه‌گر مربوط به عمد راننده و یا نداشتن گواهینامه رانندگی بوده که بیمه‌گر پس از پرداخت خسارت به اشخاص ثالث اقدام به بازیافت خسارت پرداختی از طریق مراجع ذیصلاح قانونی می‌نماید. لذا انگیزه و پیش‌بینی چنین موارد استثنایی، پشتیبانی و تضمین حقوق زیان‌دیدگان است. به همین منظور قانونگذار براساس ماده ۸ قانون اصلاحی بیمه

۳- طبق تبصره ۳ ماده ۸ قانون فوق «خسارت مالی ناشی از حوادث رانندگی صرفاً تا میزان خسارت متناظر وارده به گران‌ترین خودروی متعارف از طریق بیمه‌نامه شخص ثالث و یا مقصر حادثه قابل جبران خواهد بود.»

۴- تبصره ۴ ماده ۸ قانون مذکور نیز بیان می‌دارد: «منظور از خودروی متعارف خودرویی است که قیمت آن کمتر از پنجاه درصد (۵۰٪) سقف تعهدات بدنی که در ابتدای هر سال مشخص می‌شود، باشد.»

۵- طبق تبصره ۵ ماده ۸ قانون فوق «ارزیابان خسارات موضوع ماده (۳۹) و کارشناسان ارزیاب خسارت شرکتهای بیمه و کارشناسان رسمی دادگستری در هنگام برآورد خسارت، موظفند مطابق این ماده اعلام نظر کنند»

۶- شورای عالی بیمه به استناد بند ۵ ماده ۱۷ قانون تاسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه‌گری مصوب ۱۳۵۰ و به منظور تعیین نحوه محاسبه و پرداخت خسارات مالی وفق تبصره‌های ۳ و ۴ ماده ۸ قانون بیمه اجباری اقدام به تصویب «دستورالعمل نحوه تعیین خسارت موضوع تبصره‌های ۳ و ۴ ماده ۸ قانون بیمه اجباری» نمود.

۷- نامبرده نسبت به «لغو و تجدیدنظر در اجرای دستورالعمل فوق با این مضمون که دستورالعمل فوق مغایر با ماده ۱ قانون مسئولیت و ماده ۳۲۸ الی ۳۳۵ قانون مدنی و ماده ۴، ۱۹ و ۳۰ قانون بیمه می‌باشد» شکایتی در آن مرجع مطرح نموده است که دفاعیات به شرح ذیل به حضور اعلام می‌گردد:

۱- در خصوص ادعای نامبرده مبنی بر این که «دستورالعمل شماره ۲۹۹۲-۱۳۹۶/۸/۳ مغایر با ماده ۱ قانون مسئولیت و ماده ۳۲۸ تا ماده ۳۳۵ قانون مدنی بوده» به نظر می‌رسد شاکی اعتراض به اصل قانون دارد که خسارت مالی ناشی از حوادث رانندگی را صرفاً تا میزان خسارت متناظر وارده به گران‌ترین خودروی متعارف قابل جبران دانسته است. در این خصوص ملاحظه مواد استنادی شاکی ضروری است.

۱-۱- وفق ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی: «هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد.»

۲-۱- وفق ماده ۳۲۸ قانون مدنی: «هر کس مال غیر را تلف کند ضامن آن است و باید مثل یا قیمت آن را بدهد اعم از این که از روی عمد تلف کرده باشد یا بدون عمد و اعم از این که عین باشد یا منفعت و اگر آن را ناقص یا معیوب کند ضامن نقص قیمت آن مال است.»

۳-۱- وفق ماده ۳۲۹ قانون مدنی: «اگر کسی خانه یا بنای کسی را خراب کند باید آن را به مثل صورت اول بنا نماید و اگر ممکن نباشد باید از عهده‌ی قیمت برآید.»

۴-۱- وفق ماده ۳۳۰ قانون مدنی: «اگر کسی حیوان متعلق به غیر را بدون اذن صاحب آن بکشد، باید تفاوت قیمت زنده و کشته آن را بدهد و اگر کشته آن قیمت نداشته باشد، باید تمام قیمت حیوان را بدهد ولیکن اگر برای دفاع از نفس بکشد یا ناقص کند، ضامن نیست»

۵-۱- وفق ماده ۳۳۱ قانون مدنی: «هر کس سبب تلف مالی بشود باید مثل یا قیمت آن را بدهد و اگر سبب نقص یا عیب آن شده باشد باید از عهده نقص قیمت آن برآید.»

۶-۱- وفق ماده ۳۳۲ قانون مدنی: «هر گاه یک نفر سبب تلف مالی را ایجاد کند و دیگری مباشر تلف شدن آن مال بشود، مباشر مسئول است نه مسبب مگر این که سبب، اقوی باشد به نحوی که عرفاً اتلاف مستند به او باشد.»

۷-۱- وفق ماده ۳۳۳ قانون مدنی: «صاحب دیوار یا عمارت یا کارخانه مسئول خساراتی است که از خراب شدن آن وارد می‌شود مشروط بر این که خرابی در نتیجه عیبی حاصل گردد که مالک مطلع بر آن بوده یا از عدم مواظبت او تولید شده است.»

۸-۱- وفق ماده ۳۳۴ قانون مدنی: «مالک یا متصرف حیوان مسئول خساراتی نیست که از ناحیه آن حیوان وارد می‌شود مگر این که در حفظ حیوان تقصیر کرده باشد لیکن در هر حال اگر حیوان به واسطه عمل کسی منشأ ضرر گردد فاعل آن عمل، مسئول خسارات وارده خواهد بود.»

رسیده و قبل از تصویب هیأت وزیران جهت اجرا به صورت دستورالعمل به شرکتهای بیمه کشور جهت اجرا اعلام شده است. علیهذا با عنایت به موارد فوق‌الذکر، دستور تجدیدنظر و ابطال در اجرای دستورالعمل شماره ۲۹۹۲-۱۳۹۶/۸/۳ را دارد.»

متن دستورالعمل مورد اعتراض به قرار زیر است:

«دستورالعمل نحوه تعیین خسارت موضوع تبصره‌های ۳ و ۴ ماده ۸ قانون بیمه اجباری شورای عالی بیمه در جلسه مورخ ۱۳۹۶/۵/۲۹ در اجرای ماده ۱۷ قانون تاسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه‌گری «دستورالعمل نحوه تعیین خسارت موضوع تبصره‌های ۳ و ۴ ماده ۸ قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه» به شرح زیر تصویب نمود:

ماده ۱- تعاریف:
۱- قانون: قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب سال ۱۳۹۵.

۲- گران‌ترین خودروی متعارف: خودروی سواری است که ارزش روز آن در زمان وقوع حادثه به تشخیص ارزیابان خسارت، کارشناسان ارزیابی خسارت شرکتهای بیمه و یا کارشناسان رسمی دادگستری، معادل پنجاه درصد (۵۰٪) سقف تعهدات بدنی که در ابتدای هر سال اعلام می‌شود، باشد.

۳- خودروی نامتعارف: خودروی سواری است که ارزش روز آن در زمان وقوع حادثه به تشخیص ارزیابان خسارت، کارشناسان ارزیابی خسارت شرکتهای بیمه و یا کارشناسان رسمی دادگستری، بیشتر از پنجاه درصد (۵۰٪) سقف تعهدات بدنی که در ابتدای هر سال اعلام می‌شود باشد.

ماده ۲- بیمه‌گر وسیله نقلیه مسبب حادثه موظف است میزان تعهد مسبب حادثه را بر اساس فرمول زیر محاسبه و تا سقف تعهدات مالی بیمه‌نامه شخص ثالث (شامل تعهدات قانونی و مازاد مالی) نسبت به پرداخت خسارت خودرو نامتعارف زیان دیده اقدام نماید:

نهایت روز گران‌ترین خودروی متعارف × خسارت مالی وارده = میزان تعهد مسبب حادثه
نهایت خودروی نامتعارف زیان دیده

ماده ۳- ارزیابان خسارت موظفند مفاد این دستورالعمل در خصوص نحوه محاسبه میزان تعهد مسبب حادثه را رعایت نمایند.

ماده ۴- رعایت این دستورالعمل برای آن دسته از بیمه‌نامه‌هایی که بعد از لازم‌الاجراء شدن قانون صادر شده و خسارت آن پرداخت نگردیده است، الزامی است.»

در پاسخ به شکایت مذکور، مدیرکل دفتر حقوقی بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران به موجب لایحه شماره ۹۷۰۹۹۸۰۹۰۵۸۰۰۴۳۳/۱۷/۱۳۹۷/۷ توضیح داده است که:

«ریاست محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری
موضوع: لایحه دفاعیه در خصوص دعوی آقای پرویز فرج‌تبار (پرونده شماره ۹۷۰۹۹۸۰۹۰۵۸۰۰۴۳۳)

با سلام و احترام
در خصوص شکایت آقای پرویز فرج‌تبار به طرفیت بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران، به خواسته «الزام به لغو و تجدیدنظر در اجرای دستورالعمل نحوه خسارت موضوع تبصره ۳ و ۴ ماده ۸ قانون شخص ثالث» موضوع پرونده شماره ۹۷۰۹۹۸۰۹۰۵۸۰۰۴۳۳/۱۵/۱۳۹۷/۵ و شماره بایگانی ۴۷۶۲۶ دفاعیات را به شرح ذیل به استحضار می‌رساند:

گردش کار: ۱- قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه در تاریخ ۱۳۹۵/۲/۲۰ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است و از تاریخ ۱۳۹۵/۳/۲۹ لازم‌الاجراء شده است.

۲- طبق ماده ۸ قانون فوق: «حداقل مبلغ بیمه موضوع این قانون در بخش خسارت بدنی معادل حداقل ریالی دیه یک مرد مسلمان در ماه‌های حرام با رعایت تبصره ماده (۹) این قانون است. همچنین حداقل مبلغ بیمه موضوع این قانون در بخش خسارت مالی معادل دو و نیم درصد (۲/۵٪) تعهدات بدنی است. بیمه‌گذار می‌تواند برای جبران خسارت‌های مالی بیش از حداقل مزبور، در زمان صدور بیمه‌نامه یا پس از آن، بیمه تکمیلی تحصیل کند.»

به بیمه‌گر، خسارت قابل پرداخت بیمه‌نامه مقصر حادثه با اعمال قاعده نسبی بر اساس ارزش خودروی متعارف قابل پرداخت بوده و تکلیف مابقی تعهدات ایجاد شده توسط مقصر حادثه بر اساس مواد قانون مسئولیت نامعلوم می‌باشد در صورتی که به عنوان مثال پوشش تکمیلی خسارت مالی مسبب حادثه تا سقف ۵۰ میلیون تومان می‌باشد و راننده به علت بی‌احتیاطی منجر به ایجاد خسارت مالی به میزان ۳۰ میلیون تومان به خودروی نامتعارف به ارزش ۳۵۰ میلیون تومان شده باشد و خسارت قابل پرداخت بر اساس ارزش خودروی متعارف به میزان ۱۳ میلیون تومان قابل پرداخت بوده است و با وجود داشتن پوشش تکمیلی تا ۵۰ میلیون تومان شرکت بیمه مابقی خسارت از ۱۳ تا ۳۰ میلیون را به زیان‌دیده پرداخت نمی‌کند» معروض می‌دارد:

وفق ماده ۸ قانون شخص ثالث «حداقل مبلغ بیمه موضوع این قانون در بخش خسارت مالی معادل ۲/۵ درصد تعهدات بدنی است. بیمه‌گذار می‌تواند برای جبران خسارت‌های مالی بیش از حداقل مزبور در زمان صدور بیمه‌نامه یا پس از آن بیمه تکمیلی تحصیل کند.» قانونگذار ضرورت افزایش سقف تعهدات مالی و تحصیل بیمه تکمیلی را برای مواردی پیش‌بینی نموده است که مقصر حادثه خسارتی بیش از حداقل مزبور به خودروی متعارف یا خودروی نامتعارف دیگری وارد نموده باشد (به عنوان مثال مقصر حادثه به موجب تبصره ۳ ماده ۸ قانون مذکور خسارتی معادل ۱۰ میلیون تومان به خودروی متعارف یا نامتعارف دیگری وارد نموده است، که حداقل تعهدات مالی بیمه‌نامه ایشان معادل ۷ میلیون تومان است در این صورت بیمه‌گر موظف است ۷ میلیون تومان از محل بیمه‌نامه شخص ثالث پرداخت نماید و مابقی می‌بایست توسط مقصر حادثه جبران شود لذا چنانچه مقصر حادثه دارای پوشش بیمه تکمیلی باشد مابقی خسارت از محل پوشش بیمه تکمیلی راننده قابل جبران است در غیراین صورت راننده مقصر حادثه می‌بایست مابقی خسارت را شخصاً پرداخت نماید). بنابراین در اینجا ضرورت افزایش سقف تعهدات مالی توسط بیمه‌گذار و تحصیل بیمه تکمیلی کاملاً مشهود است. بنابراین ادعای نامبرده در این خصوص که بیمه‌گر با وجود اخذ پوشش تکمیلی توسط راننده مقصر و اخذ حق بیمه اضافی از پرداخت مابقی خسارت ایجاد شده به زیان‌دیده خودداری می‌کند کاملاً مردود است. توجه به این نکته ضروری است که بیمه‌گر به تبع مقصر حادثه مسئولیت جبران خسارت را دارد بنابراین وقتی مسئولیت مقصر حادثه طبق قانون تحدید شده است بیمه‌گر نیز به همان میزان مسئول جبران خسارت می‌باشد. بنابراین ادعای نامبرده در این خصوص که تکلیف مابقی تعهدات ایجاد شده توسط راننده مقصر بر اساس قانون مسئولیت مدنی نامعلوم می‌باشد نیز کاملاً مردود و فاقد وجهت قانونی است.

۳- در خصوص ادعای نامبرده در نامه شماره ۹۷/۵۰۳۴/۱ مبنی بر اینکه «مالک خودروی نامتعارف موظف است نسبت به اکتیای بیمه‌نامه بدنه اقدام نماید ولی در قانون مدنی افراد را مجاب به عقد قرارداد بیمه اموال خود ننموده و بر اساس ماده ۱۰ قانون مدنی به افراد اجازه و امکان می‌دهد آزادانه به انعقاد هرگونه قراردادی که مایلند اقدام نمایند به شرط آن که قراردادهای آنها مخالف صریح و آشکار قانون نباشد.» معروض می‌دارد: بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران در دستورالعمل مذکور توصیه و پیشنهاد نموده است، جهت جبران بخشی از خسارت‌های وارده به این قبیل خودروها که وفق تبصره ۳ ماده ۸ قانون مذکور از محل بیمه‌نامه شخص ثالث و یا مقصر حادثه قابل جبران نمی‌باشد از طریق خرید بیمه‌نامه بدنه این بخش از خسارت را جبران نمایند بنابراین اجبار و تکلیفی در این خصوص به مالکین خودروهای نامتعارف از سوی بیمه مرکزی وارد نشده است که بتوان آن را مغایر با ماده ۱۰ قانون مدنی دانست و صرفاً به جهت جبران مابقی خسارت وارده پیشنهاد نموده است و مالکین خودروهای مزبور نیز تکلیفی مبنی بر اخذ بیمه‌نامه بدنه برای خودروی نامتعارف خود ندارند.

۴- در خصوص ادعای نامبرده در نامه مذکور مبنی بر اینکه «با فرض داشتن بیمه‌نامه بدنه توسط مالک خودروی نامتعارف، تکلیف ماده ۳۰ قانون بیمه و فرانشیز و تخفیفات بیمه‌نامه بدنه زیان‌دیده که هیچ‌گونه قصوری در ایجاد حادثه رانندگی نداشته و همچنین مواد ۴ و ۱۹ قانون بیمه چیست» معروض می‌دارد:

۴-۱) در خصوص ماده ۳۰ قانون بیمه که مقرر می‌دارد «بیمه‌گر در حدودی که خسارت وارده را قبول یا پرداخت می‌کند در مقابل اشخاصی که مسئول وقوع حادثه یا خسارت هستند قائم‌مقام بیمه‌گذار خواهد بود و اگر بیمه‌گذار اقدامی کند که منافی با عقد مزبور باشد در مقابل بیمه‌گر مسئول شناخته می‌شود.» همان طور که بیان شد وفق

۱-۹- وفق ماده ۳۳۵ قانون مدنی: «در صورت تصادم بین دو کشتی یا دو قطار راه‌آهن یا دو اتومبیل و امثال آنها، مسئولیت متوجه طرفی خواهد بود که تصادم در نتیجه عمد یا مسامحه او حاصل شده باشد و اگر طرفین، تقصیر یا مسامحه کرده باشند هر دو مسئول خواهند بود.»

چنانکه ملاحظه می‌شود مقررات فوق‌الذکر در خصوص اصل جبران ضرر است. با عنایت به مواد فوق که در برگزیده قاعده لاضرر، اتلاف و تسبیب است و همگی بر اصل جبران کامل خسارت توسط مقصر حادثه دلالت دارند و با توجه به اینکه اصل مزبور دارای جایگاه قابل توجه‌ای در حقوق مسئولیت مدنی است لیکن در برخی موارد اجرای مطلق این اصل منجر به بی‌عدالتی‌هایی در جامعه می‌شود که قابل اغماض نمی‌باشد و تنها ابزار مؤثر در جهت رفع برخی از این بی‌عدالتی‌ها در قلمرو قهری و قراردادی اعمال اصل قابل جبران نبودن خسارت غیرقابل پیش‌بینی است که طی آن مسئولیت مدنی مقصرین حوادث به خسارات قابل پیش‌بینی محدود شده است و نسبت به مازاد آن به دلیل قابل پیش‌بینی نبودن آن مسئولیتی ندارند. که در این خصوص قانونگذار در مواد ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۲ و ۳۵۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ غیرقابل مطالبه بودن خسارات غیرقابل پیش‌بینی در قلمرو قهری را مورد تصریح قرار داده است و در خصوص مسئولیت قراردادی نیز می‌توان گفت تنها خسارتی قابل جبران است که موضوع تراضی و توافق طرفین قرارداد واقع شده و اراده مشترک ایشان به آن تعلق یافته است بنابراین محدود کردن مسئولیت مقصر به موجب قانون یا قرارداد و تحدید مسئولیت مقصر به خسارات قابل پیش‌بینی امری است که در حقوق ایران کاملاً پذیرفته شده است. قانون مسئولیت مدنی در ماده ۴ خود اجازه داده است که قاضی در شرایطی خاص نسبت به تخفیف در میزان جبران خسارت اقدام نماید که نوعی تحدید مسئولیت قضایی محسوب می‌گردد به علاوه نمونه تحدید مسئولیت قانونی مقصر را می‌توان در بند ۵ ماده ۵۵ قانون دریایی ایران که مقرر می‌دارد: «متصدی باربری و یا کشتی هیچکدام در مورد فقدان و یا خسارات وارده به کالا مسئولیتی زائد بر صد لیره استرلینگ برای هر بسته کالا و یا واحد آن نخواهد داشت مگر این که نوع و ارزش این گونه بار قبل از حمل توسط فرستنده بار اظهار گردیده و در بارنامه دریایی نیز قید شده باشد و...» و در تبصره ۳ ماده ۸ قانون بیمه اجباری خسارات وارده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه که مقرر می‌دارد: «خسارت مالی ناشی از حوادث رانندگی صرفاً تا میزان خسارت متناظر وارده به گران‌ترین خودروی متعارف از طریق بیمه‌نامه شخص ثالث و یا مقصر حادثه قابل جبران خواهد بود» مشاهده نمود.

بنابراین به موجب قانون، میزان و حدود مسئولیت مقصرین حادثه به خسارات قابل پیش‌بینی محدود شده است و ایشان نسبت به مازاد خسارات ایجاد شده مسئولیتی ندارند. دستورالعمل نحوه تعیین خسارت موضوع تبصره‌های ۳ و ۴ ماده ۸ قانون بیمه اجباری که به جهت ایجاد وحدت رویه بین شرکت‌های بیمه در خصوص نحوه محاسبه خسارات مالی مذکور در تبصره‌های فوق در جلسه ۱۳۹۶/۵/۲۹ شورای عالی بیمه به تصویب رسیده است کاملاً منطبق با قانون بیمه اجباری شخص ثالث و ماده ۸ و تبصره‌های آن می‌باشد بنابراین ادعای نامبرده مبنی بر اینکه دستورالعمل مذکور خلاف قانون مسئولیت مدنی و مواد ۳۲۸ الی ۳۳۵ قانون مدنی است با عنایت به اینکه قانون بیمه شخص ثالث میزان و حدود مسئولیت مقصر حادثه را تعیین نموده است و به نوعی مسئولیت مقصر و به تبع آن بیمه‌گر را محدود نموده است و دستورالعمل مصوب شورای عالی بیمه نیز در راستای اجرای تبصره‌های ۳ و ۴ ماده ۸ قانون مذکور تصویب شده است و صرفاً نوع خودروهای متعارف و نامتعارف، نحوه و فرمول محاسبه خسارت مالی را مشخص نموده است مغایرتی با قوانین و مقررات مربوطه ندارد ضمن اینکه به موجب قانون بیمه اجباری حداکثر مسئولیت مقصر حادثه مشخص شده است و نسبت به مازاد آن مسئولیتی ندارد لذا وقتی مسبب حادثه طبق قانون بیمه اجباری شخص ثالث (قانون خاص مؤخر) مسئولیتی در قبال جبران مابقی خسارت ایجاد شده ندارد بنابراین نمی‌توان جبران خسارت مازاد را طبق قانون مسئولیت مدنی و قانون مدنی (قانون عام مقدم) از ایشان تقاضا نمود بنابراین ادعای نامبرده در این خصوص فاقد وجهت قانونی و مردود است.

۲- در خصوص ادعای نامبرده در نامه شماره ۹۷/۵۰۳۴/۱ که متنی مبهم و پراکنده دارد مبنی بر اینکه «بر اساس این دستورالعمل حداکثر تعهدات بیمه‌گر بیمه شخص ثالث مقصر حادثه علی‌رغم داشتن پوشش تکمیلی در بخش مالی و پرداخت حق بیمه اضافی

و به بیمه‌گذار نیز اعلام نموده است که می‌تواند نسبت به خرید بیمه تکمیلی برای افزایش حداقل مزبور اقدام کند در تبصره ۴ ماده فوق نیز سقف تعهدات بیمه‌گر و مقصر حادثه را تعیین نموده است و در تبصره ۳ که بیان داشته است «خسارت مالی ناشی از حوادث رانندگی صرفاً تا میزان خسارت متناظر وارده به گران‌ترین خودروی متعارف از طریق بیمه‌نامه شخص ثالث و یا مقصر حادثه قابل جبران خواهد بود» حدود مسئولیت بیمه‌گر یا مقصر حادثه را تعیین نموده است، که می‌بایست صرفاً تا میزان خسارت متناظر با گران‌ترین خودروی متعارف پرداخت شود لذا قاعده نسبی خسارت که در قانون بیمه صرفاً در خصوص ماده ۱۰ قانون بیمه که بیان می‌دارد: «در صورتی که مالی به کمتر از قیمت واقعی بیمه شده باشد بیمه‌گر فقط به تناسب مبلغی که بیمه کرده است با قیمت واقعی مال مسئول خسارت خواهد بود» و ماده ۱۳ قانون بیمه که مقرر می‌دارد: «اگر خودداری از اظهار مطالبی یا اظهارات خلاف واقع از روی عمد نباشد عقد بیمه باطل نمی‌شود و ... در صورتی که مطالب اظهار نشده یا اظهار خلاف واقع بعد از وقوع حادثه معلوم شود خسارت به نسبت وجه بیمه پرداختی و وجهی که بایستی در صورت اظهار خطر به طور کامل و واقع پرداخته شده باشد تقلیل خواهد یافت.» قابل اعمال است و ربطی به دستورالعمل معترض عنه ندارد. لذا با عنایت به تبصره ۳ ماده ۸ که خسارات مالی را تا میزان خسارت متناظر به گران‌ترین خودروی متعارف قابل جبران دانسته و دستورالعمل مذکور نیز در راستای تبصره فوق تدوین شده است و فرمول پیشنهادی آن در محاسبه خسارت نیز صرفاً تا میزان خسارت متناظر به گران‌ترین خودروی متعارف تعیین شده است که کاملاً منطبق با تبصره ۳ ماده ۸ است.

۵- در خصوص ادعای نامبرده مبنی بر اینکه: «بر اساس ماده ۱۸ قانون بیمه شخص ثالث تکلیف تهیه آیین‌نامه توسط بیمه مرکزی و تأیید شورای عالی بیمه و تصویب هیأت وزیران را مشخص نموده است و اشاره‌ای به تعیین چگونگی تعهدات خودروی متعارف و یا خودروی نامتعارف ننموده است و تأکید گردیده که آیین‌نامه قانون بیمه اجباری شخص ثالث توسط بیمه مرکزی تهیه و پس از تأیید شورای عالی بیمه به تصویب هیأت وزیران برسد ولی دستورالعمل شماره ۲۹۹۲-۱۳۹۶/۸/۳ صرفاً توسط بیمه مرکزی تهیه و به تصویب شورای عالی بیمه رسیده و قبل از تصویب هیأت وزیران جهت اجرا به صورت دستورالعمل به شرکتهای بیمه کشور جهت اجرا اعلام گردیده است.» معروض می‌دارد:

۵-۱) وفق ماده ۱۸ قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه که مقرر می‌دارد: «آیین‌نامه مربوط به تعیین سقف حق بیمه موضوع این قانون و نحوه تخفیف، افزایش یا تقسیط آن توسط بیمه مرکزی تهیه می‌شود و پس از تأیید شورای عالی بیمه به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.» اعلام می‌دارد ماده فوق در خصوص تدوین آیین‌نامه مربوط به تعیین سقف حق بیمه موضوع قانون بیمه اجباری است و بیمه مرکزی را مکلف نموده است، آیین‌نامه مربوطه را تهیه و پس از تأیید شورای عالی بیمه به تصویب هیأت وزیران برساند. بنابراین ماده مورد استناد و ادعای نامبرده ارتباطی با موضوع ماده ۸ قانون بیمه اجباری که در خصوص حداقل مبلغ موضوع بیمه در بخش خسارات مالی و حداکثر مسئولیت بیمه‌گر و مقصر حادثه می‌باشد، ندارد و بیمه مرکزی در خصوص دستورالعمل مورد ادعای نامبرده تکلیفی مبنی بر تصویب آن توسط هیأت وزیران را نداشته است.

۵-۲) بیمه مرکزی به موجب مواد (۱) و (۵) قانون تاسیس بیمه مرکزی و بیمه‌گری مصوب ۱۳۵۰ به منظور تنظیم و تعمیم و هدایت امر بیمه در ایران و حمایت بیمه‌گذاران و صاحبان حقوق آنها، اعمال نظارت دولت بر این فعالیت، تهیه آیین‌نامه و مقرراتی که برای حسن اجرای امر بیمه در ایران لازم باشد، ارشاد و هدایت و نظارت بر موسسات بیمه و حمایت از آنها در جهت حفظ سلامت بازار بیمه و تنظیم امور نمایندگی و دلالتی بیمه و نظارت بر امور بیمه اتکایی و جلوگیری از رقابت‌های مکارانه و ناسالم تاسیس شده است بنابراین یکی از اهم وظایف بیمه مرکزی تهیه آیین‌نامه‌ها و مقرراتی است که برای حسن اجرای امر بیمه لازم است.

با عنایت به مراتب مشروحه فوق‌الذکر و عطف توجه به این امر که حکم مقرر در تبصره ۳ قانون در جهت حمایت از اقشار آسیب‌پذیر جامعه و تعادل‌بخشی به فاصله طبقاتی موجود در اجتماع وضع گردیده و تأکید بر این موضوع که جبران خسارات مالی طی ماده ۸ قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث صرفاً تا میزان خسارت متناظر وارده به گران‌ترین خودروی متعارف معین شده است و دستورالعمل مذکور نیز در

تبصره ۳ ماده ۸ قانون بیمه اجباری میزان خسارت قابل جبران توسط بیمه‌نامه شخص ثالث یا مقصر حادثه تعیین شده است و مقصر بیش از مقدار مقرر تعهدی به پرداخت مابقی خسارت ایجاد شده به شخص زیان‌دیده ندارد بنابراین خسارت پرداختی صرفاً تا میزان تعهدات قانونی مقصر قابل بازپایافت از راننده مقصر حادثه است و مازاد بر آن قابل بازپایافت نیست. لذا مغایرتی با ماده ۳۰ قانون بیمه در این خصوص وجود ندارد.

۴-۲) در خصوص موضوع فرانشیز در شرایطی که زیان‌دیده (دارنده خودرو نامتعارف) هیچگونه قصوری در ایجاد حادثه رانندگی نداشته است لازم به ذکر است در بیمه‌نامه بدنه خودرو برای جبران خسارت در مواردی که بیمه‌گذار تقصیری در وقوع حادثه ندارد نظیر سرقت خودرو نیز فرانشیز تعیین شده و اعمال می‌گردد. که این امر مطابق ماده ۳۵ قانون بیمه و طبق قرارداد مورد توافق طرفین نیز واقع شده است بنابراین در خصوص اخذ فرانشیز در مواردی که بیمه‌گذار هیچگونه تقصیری در وقوع حادثه نداشته است و برای جبران خسارت می‌بایست از بیمه‌نامه بدنه خود استفاده نماید.

۴-۳) در خصوص استناد نامبرده به ماده ۴ و ۱۹ قانون بیمه ضمن بیان اینکه هیچگونه استدلالی مبنی بر اینکه این دستورالعمل معترض عنه با مواد مذکور مغایرت دارد ارائه نگردیده است نیز بیان می‌دارد:

ماده ۴ قانون بیمه مقرر می‌دارد: «موضوع بیمه ممکن است مال باشد اعم از عین یا منفعت یا هر حق مالی یا هر نوع مسئولیت حقوقی مشروط بر اینکه بیمه‌گذار نسبت به بقای آنچه بیمه می‌دهد ذی‌نفع باشد و همچنین ممکن است بیمه برای حادثه یا خطری باشد که از وقوع آن بیمه‌گذار متضرر می‌گردد.»

ماده ۱۹ قانون بیمه مقرر می‌دارد: «مسئولیت بیمه‌گر عبارت است تفاوت قیمت مال بیمه شده بلافاصله قبل از وقوع حادثه با قیمت باقیمانده آن بلافاصله بعد از حادثه، خسارت حاصله به پول نقد پرداخته خواهد شد مگر اینکه حق تعمیر و یا تعویض برای بیمه‌گر در سند بیمه پیش‌بینی شده باشد در این صورت بیمه‌گر ملزم است موضوع بیمه را در مدتی که عرفاً کمتر از آن نمی‌شود تعمیر کرده یا عوض را تهیه و تحویل نماید. در هر صورت مسئولیت بیمه‌گر از مبلغ بیمه شده تجاوز نخواهد کرد.» با عنایت به اینکه ماده ۴ قانون بیمه در مقام تعیین موضوع بیمه است لذا از موضوع دستورالعمل خروج موضوعی دارد. ماده ۱۹ قانون مذکور نیز در مقام بیان مسئولیت بیمه‌گر در جبران خسارت است در حالی که همان گونه که به استحضار رسید تبصره ۳ ماده ۸ قانون بیمه اجباری شخص ثالث ۱۳۹۶، مسئولیت مقصر و بیمه‌گر را تحدید نموده است از سوی دیگر مطابق فراز آخر ماده ۱۹ میزان تعهد بیمه‌گر در قالب مبلغ بیمه در قرارداد معین می‌شود و بیمه‌گر بیش از آن تعهدی ندارد. بنابراین در خصوص خسارتهای موضوع تبصره ۳ قانون بیمه اجباری استناد به ماده ۱۹ بلاوجه بوده و حکم خاص این تبصره حکم عام ماده ۱۹ را تخصیص زده است.

۴-۵) در خصوص ادعای نامبرده مبنی بر اینکه «بر اساس ماده ۱۱ قانون اصلاحی بیمه شخص ثالث درج هرگونه شرط در بیمه‌نامه که برای بیمه‌گذار یا زیان‌دیده مزایای کمتر از مزایای مندرج در این قانون مقرر کند، یا درج شرط تعلیق تعهدات بیمه‌گر در قرارداد به هر نحوی، باطل و بلااثر است. بطلان شرط سبب بطلان بیمه‌نامه نمی‌شود. همچنین اخذ هرگونه رضایت‌نامه از زیان‌دیده توسط بیمه‌گر و صندوق مبنی بر رضایت به پرداخت خسارت کمتر از مزایای مندرج در این قانون ممنوع است و چنین رضایت‌نامه‌ای بلااثر است» معروض می‌دارد: موضوع کاهش میزان مسئولیت مقصر و یا بیمه‌گر در تبصره ۳ و ۴ ماده ۸ قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۹۵ مقرر شده است و دستورالعمل مذکور صرفاً نحوه تعیین خسارت را در راستای تبصره‌های ۳ و ۴ ماده ۸ قانون مذکور بیان نموده است. بنابراین با توجه به این که این دستورالعمل در راستای ماده ۸ تبیین شده است، مغایرتی با ماده ۱۱ ندارد. همچنین ماده ۱۱ قانون موضوع درج هرگونه شرط در بیمه‌نامه توسط بیمه‌گر و یا اخذ رضایت‌نامه از سوی بیمه‌گر و یا صندوق تأمین خسارتهای بدنی بوده و ارتباطی به نحوه تعیین خسارت نداشته فلذا در این خصوص ماده ۱۱ خروج موضوعی دارد.

۴-۶) در خصوص ادعای نامبرده مبنی بر اینکه: «قانونگذار بر اساس تبصره‌های ۳ و ۴ ماده ۸ قانون اصلاحی بیمه شخص ثالث تکلیف حداقل و حداکثر پوشش مالی را مشخص نموده است نه اعمال قاعده نسبی خسارت را» معروض می‌دارد: ماده ۸ قانون حداقل مبلغ بیمه موضوع این قانون در بخش خسارات مالی را معادل ۲/۵ درصد تعهدات بدنی اعلام کرده است و حداقل پوشش مالی که در تعهد بیمه‌گر است را تعیین نموده است

راستای این ماده و صرفاً جهت نحوه محاسبه خسارت مقرر شده است و همچنین تصویب این دستورالعمل در چارچوب وظایف بیمه مرکزی که در مواد ۵ و ۱۷ قانون تاسیس بیمه مرکزی و بیمه‌گری مقرر شده انجام شده است، لذا دستورالعمل معترض عنه هیچگونه مغایرتی با قوانین و مقررات نداشته و صرفاً در جهت ایجاد وحدت رویه اجرایی قانون وضع شده است. لذا از آن مقام رسیدگی و صدور حکم به رد شکایت مطروحه مورد استدعاست.»

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۲/۳۱ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

مطابق حکم تبصره ۳ ماده ۸ قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب سال ۱۳۹۵ مقرر شده خسارت مالی ناشی از حوادث رانندگی صرفاً تا میزان خسارت متناظر وارده به گران‌ترین خودرو متعارف از طریق بیمه‌نامه شخص ثالث و یا مقصر حادثه قابل جبران خواهد بود و در تبصره ۴ همان ماده قانونی در تعریف خودرو متعارف آمده است «خودرویی است که قیمت آن کمتر از پنجاه درصد سقف تعهدات بدنی که در ابتدای هر سال مشخص می‌شود.» نظر به اینکه در بند ۲ ماده ۱ دستورالعمل نحوه تعیین خسارت موضوع تبصره‌های ۴ و ۳ ماده ۸ قانون بیمه اجباری مصوب شورای عالی بیمه در تعریف گران‌ترین خودرو متعارف، قیمت آن برخلاف حکم مقنن، معادل پنجاه درصد سقف تعهدات بدنی تعیین شده است و در ماده ۲ دستورالعمل مذکور و در روش محاسبه میزان تعهد مسبب حادثه، میزان خسارت موضوع تبصره ۳ ماده ۸ قانون یاد شده که می‌بایست متناظر با خسارت وارد شده به گران‌ترین خودرو متعارف پرداخت شود، به تناسب و نسبت‌گیری از خودرو متعارف تبدیل شده و این روش مغایر حکم مقنن به شرح پیش گفته است، بنابراین دستورالعمل مذکور در تعریف خودرو گران‌قیمت متعارف موضوع بند ۲ ماده ۱ و روش میزان تعهد مسبب حادثه مصرح در ماده ۲ مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۸۸ و ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ از تاریخ تصویب ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدکاظم بهرامی

شماره ۹۶۰۱۱۷۰

۱۳۹۸/۴/۹

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس محترم هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

با سلام

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۰۵۰۶ مورخ ۱۳۹۸/۳/۲۱ با موضوع: «ابطال بند ۶ صورتجلسه مورخ ۱۳۹۶/۲/۱۳ کمیسیون ماده ۵ قانون تاسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران مستقر در شهر تبریز» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۸/۳/۲۱ شماره دادنامه: ۵۰۶ شماره پرونده: ۱۱۷۰/۹۶

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکي: آقای حسین ناصح اسفهلان

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بند ۶ صورتجلسه مورخ ۱۳۹۶/۲/۱۳ کمیسیون

موضوع ماده ۵ قانون تاسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران مستقر در شهر تبریز گردش کار: شاکي به موجب دادخواستی ابطال بند ۶ صورتجلسه مورخ ۱۳۹۶/۲/۱۳ کمیسیون موضوع ماده ۵ قانون تاسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران مستقر در شهر تبریز را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

«احتراماً به استحضار می‌رساند نظر به اینکه بند ۶ مورخ ۱۳۹۶/۲/۱۳ کمیسیون مذکور مغایر با مدلول آرای هیأت عمومی (شامل موارد ذیل) می‌باشد:

۱- صراحتاً و موکداً مغایر مدلول رأی ۷۲۲-۱۳۹۵/۹/۲۳

۲- مغایر مدلول رأی ۱۷۳-۱۳۸۱/۵/۲۷

۳- مغایر مدلول رأی ۹۶۴-۱۳۸۶/۹/۱۶

۴- مغایر مدلول رأی ۱۴۴۳-۱۳۹۵/۱۲/۲۴

۵- مغایر مدلول رأی ۳۸۶-۱۳۸۱/۱۰/۲۹

به استناد ماده ۹۲ قانون دیوان عدالت اداری و بر اساس توضیحات و دلایل ذیل تقاضای رسیدگی خارج از نوبت و ابطال بند ۶ مصوبه ۱۳۹۶/۲/۱۳ را دارم. توضیح آن که:

الف - به موجب رأی ۷۲۲-۱۳۹۵/۹/۲۳ بخشی از ضوابط طرح تفصیلی اخیر شهر تبریز (مصوب کمیسیون ماده ۵ شهر تبریز) که دلالت داشته بر الزام به واگذاری بلاعوض (اخذ رایگان) قسمتی از املاک مسکونی (متقاضیان تبدیل به تجاری) حسب اعلام نظر شورای نگهبان و به دلیل مغایرت با موازین شرعی ابطال گردیده است. در قبال پیگیری اجرای حکم (موضوع پرونده ۹۵۲۰۰۸ در شعبه ۵ اجرای احکام) محکوم علیه طی لوایح ۱۶۲۷۱-۱۳۹۶/۴/۴، ۱۶۴۵۷-۱۳۹۶/۵/۳۱ و ۲۷۴۹-۱۳۹۶/۶/۶ اعلام نموده که مطابق بند ۶ مصوبه ۱۳۹۶/۲/۱۳ کمیسیون ماده ۵ حکم دیوان به اجرا درآمده است. بند ۶ مصوبه ۱۳۹۶/۲/۱۳ فوق‌الذکر علیرغم اشاره ضمنی در مقدمه، مبنی بر لزوم تبعیت از مدلول رأی ۷۲۲-۱۳۹۵/۹/۲۳ در مصوبات بعدی، اما در بخش اصلی متن مصوبه باز هم بر مدلول مصوبه ابطال شده پیشین تاکید دارد. عین متن مصوبه جدید (بند ۶ مورخ ۱۳۹۶/۲/۱۳) عبارتست از: «در صورت احداث تجاری در کاربریهای مسکونی، عقب روی برابر ضوابط به قوت خود باقی است و عرصه واقع در عقب روی تحت اختیار مالکیت مالکین خواهد بود. در غیراین صورت و عدم تمکین مالکین به عقب روی، کاربری مسکونی ملاک عمل خواهد بود و احداث تجاری مقدور نخواهد بود. لازم به توضیح است که قسمت عقب روی در کاربری تجاری نیز بدون احداث مستحذات در اختیار مالک خواهد بود» که دلالت دارد بر اینکه:

الف - ۱- در صورت درخواست مالک ملک مسکونی برای استفاده از کاربری تجاری، عقب روی برابر ضوابط به قوت خود باقی است [که ضوابط مربوطه به طور روشن معین و معرفی نشده، اما به طور اصولی، ضوابط مذکور، جزئی از ضوابط طرح تفصیلی اخیر می‌باشد که قبلاً به میزان ۱/۲ متر تا ۵ متر تعیین گردیده است (به موجب رأی ۷۲۲-۱۳۹۵/۹/۲۳ ابطال شده است)]

الف - ۲- عرصه واقع در عقب روی، تحت اختیار مالکیت مالکین خواهد بود. (اقرار به منع بهره‌مندی مالک از عقب نشینی شده ملک و عدم تملک آن از سوی نهاد مشمول و منع مالک از مطالبه بهای ملک)

الف - ۳- قسمت عقب روی در کاربری تجاری، بدون احداث مستحذات در اختیار مالک خواهد بود. (تاکید مجدد بر منع بهره‌مندی مالک نسبت به بخشی از ملک، که ملزم به عقب کشی شده است). مجموعه عبارات مذکور (با اندکی تغییر در جمله پردازی) عیناً حکم به اعمال همان ضوابطی می‌دهند که طی رأی ۷۲۲-۱۳۹۵/۹/۲۳ هیأت عمومی دیوان، خلاف شرع تشخیص داده شده و ابطال گردیده، لذا بند ۶ مصوبه ۱۳۹۶/۲/۱۳ در تعارض کامل و مغایر با رأی ۷۲۲-۱۳۹۵/۹/۲۳ قرار دارد.

ب - به موجب رأی ۱۷۳-۱۳۸۱/۵/۲۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، مصوبه کمیسیون ماده ۵ شهر قزوین در خصوص الزام به عقب کشی رایگان اراضی مجاور محور تجاری، به عمق حداقل ۳ متر جهت تامین پیاده‌رو، به دلیل مغایرت با موازین قانونی و مغایرت با اصل شرعی تسلیط، ابطال شده است.

ج - به موجب رأی ۹۶۴-۱۳۸۶/۹/۱۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، مصوبه شورای شهر کرمان در خصوص اجازه اخذ مجانی ۱۵٪ از املاک شخصی واقع در اجرای طرح تفصیلی با استناد به نظریه ۲۰۹۲۸/۳۰/۸۶ - ۱۳۸۶/۱/۲۵ شورای نگهبان ابطال شده است.

د - به موجب رأی ۳۸۶-۱۳۸۱/۱۰/۲۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، دستورالعمل ۲۹۵۳۱/۶۱-۱۳۷۵/۶/۲۱ استانداری همدان در خصوص الزام به واگذاری ۷۰٪ اراضی کشاورزی و باغات به صورت رایگان به شهرداری به دلیل مغایرت با موازین قانونی و مغایرت با اصل شرعی تسلیط، ابطال شده است.

ذ - به موجب رأی ۱۴۴۳-۱۳۹۵/۱۲/۲۴ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، مصوبه کمیسیون ماده ۵ مربوط به ضوابط طرح تفصیلی شهر اسلامشهر در خصوص الزام به واگذاری ۷۰٪ مساحت ناخالص زمین به شهرداری به صورت رایگان برای تامین خدمات به دلیل مغایرت با آرای پیشین هیأت عمومی ابطال شده است.»

- قانون تاسیس شورای عالی شهرسازی و معماری مصوب ۱۳۵۱ که حدود اختیارات کمیسیون ماده ۵ مربوطه را به وضوح معین نموده و بر این اساس کمیسیون مذکور اختیار برای تخصیص رایگان ملک شهروندان جهت رفع نیازهای عمومی ندارد.

۸ - نکته حائز اهمیت آن که به جهت عدم تمکین خواننده این دادخواست (که همان محکوم علیه دادنامه ۷۲۲ می باشد) در قبال دادنامه مذکور (مصوبه ۱۳۹۶/۲/۱۳ دلالت بر عدم تمکین دارد) به موجب پرونده کلاسه ۹۶۲۶۳۲ شعبه ۲۵ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری، موضوع استنکاف محکوم علیه از اجرای رأی مذکور تحت رسیدگی می باشد که دلالت بر لزوم ابطال مصوبه ۱۳۹۶/۲/۱۳ موضوع این شکایت دارد.

علی رغم ارسال نسخه ثانی شکایت و ضامین آن برای طرف شکایت تا زمان رسیدگی به پرونده در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری هیچ پاسخی از طرف شکایت واصل نشده است.

در خصوص مغایرت بند ۶ صورتجلسه مورخ ۱۳۹۶/۲/۱۳ کمیسیون ماده ۵ شهر تبریز با شرع مقدس اسلام، قائم مقام دبیر شورای نگهبان به موجب لایحه شماره ۱۳۹۷/۸/۱۵-۹۷/۱۰۲/۷۵۳۰ اعلام کرده است که:

«به دلیل اینکه اجبار به عقب نشینی و منع از تصرف و احداث مستحقات در مقدار عقب نشینی شده - بدون وجود مصلحت ملزمه و بدون جبران عادلانه نقصان ارزش وارد با توجه به تمام جهات - خلاف شرع می باشد.» لذا بند مورد شکایت خلاف شرع دانسته شد.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۳/۲۱ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

مطابق حکم تبصره ۲ ماده ۸۴ و ماده ۸۷ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ نظر فقهای شورای نگهبان برای هیأت های تخصصی و هیأت عمومی دیوان عدالت اداری لازم الاتباع است. نظر به اینکه قائم مقام دبیر شورای نگهبان قانون اساسی به موجب نامه شماره ۹۷/۱۰۲/۷۵۳۰-۱۳۹۷/۸/۱۵ اعلام کرده است که: «موضوع بند ۶ صورتجلسه کمیسیون ماده ۵ شهر تبریز مورخ ۱۳۹۶/۲/۱۳ در خصوص میزان عقب نشینی ملک برای متقاضیان پروانه ساختمانی تجاری، در جلسه مورخ ۱۳۹۷/۸/۱۰ فقهای معظم شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که به شرح ذیل اعلام نظر می گردد: به دلیل اینکه اجبار به عقب نشینی و منع از تصرف و احداث مستحقات در مقدار عقب نشینی شده بدون وجود مصلحت ملزمه و بدون جبران عادلانه نقصان ارزش وارد با توجه به تمام جهات خلاف شرع می باشد، لذا بند مورد شکایت خلاف شرع دانسته شد.» بنابراین در اجرای احکام فوق الذکر و مواد ۸۸ و ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری و تبعیت از نظر فقهای شورای نگهبان، حکم بر ابطال بند ۶ صورتجلسه مورخ ۱۳۹۶/۲/۱۳ کمیسیون ماده ۵ قانون تاسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران مستقر در تبریز از تاریخ تصویب صادر می شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدکاظم بهرامی

۱۳۹۸/۴/۹

شماره ۹۷۰۱۰۲۲

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس محترم هیأت مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

با سلام

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۰۵۰۷ مورخ ۱۳۹۸/۳/۲۱ با موضوع: «ابطال بخشنامه شماره ۱۳۶۷/۲/۷-۴۳/۱۴۴ مدیرکل دفتر امور تولید و صنعتی سازمان امور اداری و استخدامی کشور» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

در پی اخطار رفع نقصی که از طرف دفتر هیأت عمومی برای شاکی ارسال شده بود، وی به موجب لایحه ای که به شماره ۲۵۲۷-۱۳۹۶/۱/۱۵ ثبت دفتر اداره کل امور هیأت عمومی و هیأت های تخصصی دیوان عدالت اداری شده پاسخ داده است که:

«با سلام

احتراماً عطف به اخطار مذکور که در تاریخ ۱۳۹۶/۱۲/۲۸ به اینجانب ابلاغ شده و در پاسخ مراتب ذیل را به استحضار می رساند:

۱- عدم پذیرش درخواست اعمال ماده ۹۲ مورد اعتراض می باشد، چرا که بند ۶ مصوبه ۱۳۹۶/۲/۱۳ (مورد شکایت) حکم به عقب نشینی ملک شهروندان به طور رایگان داده و این امر طی آرای ۷۲۲-۱۳۹۵/۹/۲۳، ۱۷۳-۱۳۸۱/۵/۲۷، ۹۶۴-۱۳۸۶/۹/۱۱، ۱۴۴۳-۱۳۹۵/۱۲/۲۴ و ۳۸۶-۱۳۸۱/۱۰/۲۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، خلاف موازین شرع تشخیص و ابطال شده است.

۲- مصوبه ۱۳۹۶/۲/۱۳ ضوابط ملاک عمل خود را به طور صریح مشخص ننموده و بدانها اشاره صریحی ندارد اما مدلول مصوبه حاکی از الزام به عقب نشینی به طور رایگان می باشد. مگر آن که خواننده در دفاعیات خود هم ضوابط مورد نظر را معرفی نماید و هم عدم مغایرت آنها با موازین قانونی و شرعی را اثبات نماید.

۳- شرح مبسوط مدلول مصوبه مورد شکایت، طی دادخواست تقدیمی به عرض رسیده است.

۴- بند ۶ مصوبه ۱۳۹۶/۲/۱۳ با اندکی تغییر در جمله پردازی، عین همان مصوباتی است که به موجب دادنامه ۷۲۲-۱۳۹۵/۹/۲۳ و به استناد نظریه ۱۳۰۷-۱۳۹۵/۴/۹ شورای نگهبان ابطال شده است. در حالی که حسب ظاهر بند ۶ صورتجلسه ۱۳۹۶/۲/۱۳ جهت تصمیم گیری در خصوص نحوه اعمال مدلول دادنامه ۷۲۲-۱۳۹۵/۹/۲۳ به تصویب رسیده است.

۵- شاکی و متشاکی پرونده (۱۷۰/۹۶ ع) حاضر، همانهایی هستند که در پرونده و دادنامه ۷۲۲ فوق الذکر مطرح بوده اند.

۶- دادخواست حاضر در ادامه و راستای رونده ۳۶۳/۹۴ و دادنامه ۷۲۲ مربوطه تقدیم شده و لازمه رسیدگی بدان ملاحظه و مطابقت همزمان دو پرونده با هم می باشد.

۷- با توجه به مراتب فوق، معیارهای قانونی و شرعی که موجب شکایت حضار می باشند، همانهایی است که در دادنامه ۷۲۲-۱۳۹۵/۹/۲۳ مطرح بوده و به شرح زیر تکرار می گردند:

۱- ۷- مغایرت های شرعی

مصوبه مورد نظر در تعارض با اصول شرعی زیر قرار دارد:

- اصل لاضرر و لاضرار

- اصل تسلیط و حرمت مالکیت مشروع

- اصل تسلیط من غیرحق

۲- ۷- تعارض با نظریات متعدد شورای نگهبان

مصوبه مورد نظر در تعارض با نظریه های ذیل می باشد:

- نظریه ۱۳۰۷-۱۳۹۵/۴/۹ در پاسخ به استعلام ۹۸۴۲۷-۱۳۹۴/۶/۴ هیأت عمومی

دیوان عدالت اداری، موضوع دادنامه ۷۲۲ فوق الذکر

- نظریات دیگر شورای نگهبان در پاسخ به استعلامات ۸۰۲/۲۱/۲۸۷۶-۱۳۸۰/۱۰/۲

و ۱۳۸۰/۱۰/۲ و ۸۹/۳۰/۴۱۴۸۳-۱۳۸۹/۱۱/۲۰ و ۹۰/۳۰/۴۲۱۸۲-۱۳۹۰/۲/۱۴ و ۹۱/۳۰/۴۷۰۴۷-۱۳۹۱/۴/۳

و ۴۸۵۸۱-۱۳۹۱/۸/۱۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

که مجموعه نظریات مذکور دلالت دارد بر غیرشرعی بودن هرگونه تخصیص املاک

خصوصی مردم، جهت رفع نیازهای عمومی، که مستلزم خلع ید مالک به صورت رایگان یا زاید بر نیاز باشد.

۳- ۷- تعارض با قوانین جاری

مصوبه مذکور با موازین قانونی متعددی به شرح زیر در تعارض می باشد:

- اصول ۴، ۲۲، ۱۰۵ و ۱۷۰ قانون اساسی

- مواد ۳۰، ۳۱، ۳۰۳، ۳۰۸، ۳۱۱، ۳۱۵، ۳۳۱ و ۳۲۷ قانون مدنی

- ماده ۲۲ قانون ثبت

- قانون نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای برنامه های عمومی دولت و

شهرداریها مصوب ۱۳۵۸

اینکه شاکی تقاضای ابطال نامه شماره ۴۳/۱۴۴-۱۳۶۷/۲/۷ سازمان امور اداری و استخدامی (سابق) را نموده ولی در دادخواست تقدیمی مستند قانونی مبنی بر مغایرت نامه مذکور با قانون و یا شرع و یا اینکه خلاف کدام قانون و یا اصل شرعی می‌باشد ارائه ننموده است لذا تقاضای نامبرده مبنی بر ابطال نامه مورد شکایت، از مصادیق موضوع بند ۱ ماده ۱۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری نمی‌باشد.

۲- به موجب ماده ۱۵۱ قانون استخدام کشوری (در مورد ملاک احتساب سوابق خدمت دولتی کارمندان قبل از لازم الاجرا شدن قانون مدیریت خدمات کشور) صرفاً آن مدت از سوابق خدمتی را جزء سابقه خدمت دولتی قابل احتساب می‌دانسته که مستخدم در مدت مزبور با یکی از وزارتخانه‌ها یا موسسات یا شرکتهای دولتی یا شهرداریها رابطه استخدامی داشته باشند. در حالی که با عنایت به بخشنامه شماره ۸۴۳۱-۱۳۵۸/۱۱/۲۸ شورای انقلاب جمهوری اسلامی کارکنانی که در «کمیته کالاهای متروکه» همکاری داشته‌اند صرفاً وظایف محوله به کمیته موصوف را بر عهده داشتند لذا رابطه استخدامی با هیچ یک از وزارتخانه‌های موضوع ماده صدرالذکر نداشته‌اند. ضمن اینکه مشارالیه نیز علیرغم تقاضای ابطال نامه شماره ۴۳/۱۴۴-۱۳۶۷/۲/۷، مستند قانونی مبنی بر اینکه کارکنان کمیته مزبور با یکی از دستگاه‌های موضوع ماده ۱۵۱ رابطه استخدامی دارند ارائه ننموده است. لذا خدمت کارکنان «کمیته کالاهای متروکه» در مدت مزبور جزء خدمت دولتی آنان محسوب نمی‌شود. بنا به مراتب فوق نظریه شماره ۴۳/۱۴۴-۱۳۶۷/۲/۷ منطبق با مقررات بوده و از مصادیق موضوع بند ۱ ماده ۱۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی نمی‌گردد.

۳- شاکی مدعی است که «کمیته کالاهای متروکه» در دو مرحله تغییر نام داده است. در حالی که کمیته مزبور طی بخشنامه شماره ۸۴۳۱-۱۳۵۸/۱۱/۲۸ شورای انقلاب جمهوری اسلامی برای صدور حواله ترخیص کالای متروکه و ضبطی تعیین شده اما «سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی» (که شاکی مدعی شده از تغییر نام کمیته صدرالذکر ایجاد شده) در تاریخ ۱۳۷۰/۱۱/۷ به منظور جمع آوری و نگهداری، اداره و فروش کالاهای متروکه دولتی و غیردولتی و ضبطی و ... با تصویب «قانون تاسیس سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی» و به صورت شرکت دولتی وابسته به وزارت اقتصادی و دارایی تشکیل شده است. لذا ادعای نامبرده مبنی بر تغییر نام کمیته کالاهای متروکه در دو مرحله نادرست است.

۴- عنایت دارند احتساب سوابق خدمت در دستگاه‌های اجرایی با رعایت قوانین و مقررات مربوط به عهده دستگاه اجرایی ذیربط می‌باشد لذا شاکی بلاوجه این سازمان را طرف شکایت خود قرار داده است. ضمن اینکه در نامه مورد شکایت شاکی نیز صرفاً نظریه مشورتی این سازمان، در خصوص ضوابط احتساب سوابق خدمت در دستگاه‌های اجرایی با رعایت ماده ۱۵۱ قانون استخدام کشوری بیان شده است و آنجا که نظریه مزبور، از مقوله اظهار نظر مشورتی بوده، لذا از مصادیق موضوع بند ۱ ماده ۱۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری محسوب نمی‌گردد. ضمناً رأی شماره ۲۹۲-۱۳۷۹/۱۰/۱۱ هیأت عمومی نیز موید این مطلب است. بنابراین تقاضای نامبرده نسبت به ابطال نظریه مزبور بلاوجه است. علیهذا با عنایت به موارد یاد شده خواسته نامبرده مبنی بر ابطال نظریه مزبور بلاوجه بوده و رد شکایت ایشان در راستای منافع و مصالح حاکمیت و حقوق بیت المال مورد استدعاست.»

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۳/۲۱ با حضور معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

نظر به اینکه کمیته ترخیص کالای متروکه و ضبطی به موجب ماده ۳ مصوبه مورخ ۱۳۵۸/۱۲/۱۸ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران تشکیل شده و متشکل از بنیاد مستضعفان، جهاد سازندگی، بنیاد مسکن و دادستانی کل کشور بوده که همگی جزء نهادهای انقلابی یا مؤسسات دولتی بوده و هستند و در تهران مستقر و تشکیل شده بودند و کلیه اموال موجود در کمیته به موجب ماده ۳۰ قانون تاسیس سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی مصوب ۱۳۷۰/۱۰/۲۴ به سازمان مذکور موضوع ماده یک همان قانون منتقل شده و بر اساس تبصره ماده ۳۰ قانون یاد شده انتقال کارکنان کمیته به سازمان جمع آوری

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۸/۳/۲۱ شماره دادنامه: ۵۰۷ شماره پرونده: ۱۰۲۲/۹۷ مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکی: آقای داریوش لشکری

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بخشنامه شماره ۴۳/۱۴۴-۱۳۶۷/۲/۷

مدیرکل دفتر امور تولید و صنعتی سازمان امور اداری و استخدامی کشور

گردش کار: شاکی به موجب دادخواستی ابطال بخشنامه شماره ۴۳/۱۴۴-۱۳۶۷/۲/۷

مدیرکل دفتر امور تولید و صنعتی سازمان امور اداری و استخدامی کشور را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

«احتراماً به استحضار می‌رساند که شورای انقلاب جمهوری اسلامی بر اساس ابلاغیه ۸۴۳۱۰-۱۳۵۸/۱۱/۱۸ کمیته کالای متروکه را تاسیس می‌نماید کمیته مذکور تحت نظر وزارت امور اقتصادی و دارایی بوده است، سازمان مذکور با حفظ تمام موقعیت شکلی و ماهوی خود اعم از اهداف و مأموریتها در دو مرحله تغییر نام داده است یک بار به نام مرکز جمع آوری و فروش کالای متروکه و ضبطی و اکنون با نام سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی فعالیت می‌نماید. طبق ماده ۱ قانون تاسیس سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی در اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی که به صورت شرکت دولتی تشکیل و طبق قانون و آیین‌نامه آن و مقررات مربوط به شرکتهای دولتی اداره می‌شود. با عنایت به مراتب فوق مفاد نامه شماره ۴۳/۱۴۴-۱۳۶۷/۲/۷ سازمان امور اداری و استخدامی کشور که اعلام داشته است کمیته کالای متروکه جزء اعداد و موسسات دولتی نمی‌باشد، خلاف قانون می‌باشد تقاضای رسیدگی و اعلام نظر را دارد.»

متن بخشنامه مورد اعتراض به قرار زیر است:

«به: شرکت ملی نفت ایران - امور بازنشستگی

از: دفتر امور تولید و صنعتی

موضوع: احتساب سابقه خدمت

بازگشت به نامه شماره ۶۶/۸۳۲۷/۶۵۲۰۳۲ - ۱۳۶۶/۹/۲۲ به اطلاع می‌رساند:

در خصوص موضوع مطروح با وزارت امور اقتصادی و دارایی مکاتبه به عمل آمد و این نتیجه حاصل گردید که با توجه به مفاد مواد ۱۵۱ الحاقی و ۳۴ اصلاحی و تعاریف مندرج در ماده ۱ قانون استخدام کشوری، علی‌الاصول سابقه خدمتی جزو سابقه خدمت دولتی قابل احتساب است که ناشی از رابطه استخدامی فرد با یکی از وزارتخانه‌ها یا موسسات یا شرکتهای دولتی یا شهرداریها باشد در حالی که در مورد مطروح اگر چه کمیته کالاهای متروکه در اجرای مقررات قانونی تشکیل و کارکنان آن وظایف محوله از سوی کمیته مزبور را انجام داده‌اند لیکن همان گونه که مرکز جمع آوری و فروش کالاهای متروکه و ضبطی طی نامه شماره ۷۸۱۹۶ - ۱۳۶۶/۱۲/۱۵ اعلام نموده است کارکنان مورد بحث توسط همان کمیته به همکاری دعوت شده و با هیچ یک از سازمانهای دولتی و یا شهرداریها و یا نهادهای ذیربط رابطه استخدامی نداشته و حقوق آنان نیز از صندوق دولت پرداخت نشده است که بدین ترتیب به نظر این دفتر احتساب دوران خدمت کارکنان مورد بحث در کمیته کالاهای متروکه جزو سوابق خدمت دولتی قابل احتساب نمی‌باشد. بدیهی است آن عده از کارکنان فوق‌الذکر که با یکی از نهادهای انقلابی ذیربط در کمیته مزبور رابطه استخدامی داشته‌اند می‌توانند موضوع احتساب سوابق خود در نهاد مربوطه را مطرح نموده و موضوع از این لحاظ قابل بررسی خواهد بود. - مدیرکل دفتر امور تولید و صنعتی سازمان امور اداری و استخدامی کشور"

در پاسخ به شکایت مذکور، رئیس امور حقوقی و قوانین سازمان امور اداری و استخدامی کشور به موجب لایحه شماره ۲۵۱۹۳۵ - ۱۳۹۷/۵/۲۰ توضیح داده است که:

«مدیر محترم دفتر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

با سلام و احترام

بازگشت به شماره پرونده ۹۷۰۹۹۸۰۹۰۵۸۰۰۴۸۴ - ۱۳۹۷/۴/۳۰ در خصوص

شکایت آقای داریوش لشکری به استحضار می‌رساند:

۱- همان گونه که استحضار دارند به موجب بند ۱ ماده ۱۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، مصوب ۱۳۹۲ رسیدگی به اعتراضات نسبت به آیین‌نامه‌ها و مقررات دولتی در صورتی قابل طرح در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری است که به علت مغایرت آنها با شرع، قانون و یا خارج از اختیار بودن مرجع صادر کننده موجب تضییع حقوق اشخاص شده باشد. در حالی که همان گونه که ملاحظه می‌نمایند علیرغم

۲- هیأت وزیران به پیشنهاد مشترک وزارتخانه‌های کار و رفاه و تأمین اجتماعی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، سازمان نظام پرستاری، سازمان نظام پزشکی آیین‌نامه اجرایی فوق را تصویب نموده است.

۳- سرپرست اداره کل منابع انسانی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی خارج از وظایف و حدود اختیارات اقدام به اضافه نمودن قید حذف ضرایب ۱/۵ شب کاری ناشی از مواد ۲ و ۵ آیین‌نامه اجرایی و ضرایب ناشی از سابقه در خصوص شیفت موظفی نموده است و قانونگذار هیچ گونه قیدی در جهت عدم اجرای قانون ارتقای بهره وری در خصوص شیفت موظفی تعیین ننموده است و مغایر با بند ۱ و ۳ قانون و ۲ و ۵ آیین‌نامه اجرایی عمل نموده است.»

متن مقرر مورد اعتراض به شرح زیر است:

«جناب آقای دکتر شهرامی

مشاور و معاون محترم اجرایی معاونت درمان

موضوع بازگشت به نحوه اعمال قانون ارتقاء بهره وری در محاسبه ساعت موظف و غیرموظف گروه پرستاری

سلام علیکم

احتراماً بازگشت به نامه شماره ۴۰۰/۱۹۷۷۹-د/۴ - ۱۳۹۴/۸/۴ در خصوص نحوه محاسبه ساعات موظف افراد در اجرای قانون ارتقای بهره وری به استحضار می‌رساند:

۱-.....

۲- ضریب ۱/۵ ایام شب و تعطیل موضوع ماده ۳ قانون ارتقای بهره وری و ماده ۵ آیین‌نامه اجرایی قانون مذکور از ساعات موظف تعیین شده در بند ۱ این نامه کسر نمی‌گردد. بلکه در کارکرد ماهانه فرد ثبت شده و در ساعات کار غیرموظف محاسبه می‌شود بدین ترتیب فرد مورد بحث در بند ۱ چنانچه در ماه مورد نظر دو شیفت شب انجام داده باشد ۱۴ ساعت کار ناشی از اعمال ضریب ۱/۵ برای وی در ساعات غیرموظف مورد محاسبه قرار می‌گیرد. - سرپرست اداره کل منابع انسانی»

در پاسخ به شکایت مذکور، دفتر امور حقوقی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (معاونت حقوقی و امور مجلس) به موجب لایحه شماره ۱۰۷/۱۹۵ - ۱۳۹۸/۱/۳۱ توضیح داده است که:

«ریاست محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

با اهدای سلام

احتراماً در خصوص پرونده شماره بایگانی ۹۳۷۳۷ موضوع شکایت آقای صلاح الدین بهزادی سام به خواسته ابطال بخشنامه شماره ۲۰۹/۴۹۶۹-د/۲۷ - ۱۳۹۴/۸/۲۷ سرپرست وقت اداره کل منابع انسانی مراتب ذیل به استحضار می‌رسد: شاکي وفق دادخواست تقدیمی ادعا نموده بخشنامه شماره ۲۰۹/۴۹۶۹-د/۲۷ - ۱۳۹۴/۸/۲۷ سرپرست وقت اداره کل منابع انسانی وزارت بهداشت که برابر آن ضریب یک و نیم شب و ایام تعطیل موضوع بند ۳ قانون ارتقاء بهره وری و ماده ۵ آیین‌نامه اجرایی قانون از ساعات موظف تعیین شده در بند ۱ بخشنامه مذکور کسر نمی‌گردد مغایر ماده ۳ قانون و ماده ۵ آیین‌نامه اجرایی مربوطه بوده و بر این اساس متقاضی ابطال بخشنامه گردیده است. به موجب بند ۳ قانون ارتقاء بهره وری، دولت می‌تواند ساعات کار بخشهای دولتی و غیردولتی در نوبت‌های شب و ایام تعطیل را با ضریب ۱/۵ و در نوبت عصر با ضریب ۱/۲ محاسبه نماید و همچنین مشمولین این ماده اجازه کار بیش از دوازده ساعت متوالی را ندارند و می‌توانند حداکثر معادل نصب ساعت کار موظف ماهانه، با توافق کارفرما اضافه کار انجام دهند.

ماده ۵ آیین‌نامه اجرایی قانون ارتقاء بهره وری نیز مقرر می‌دارد ساعات کار کارکنان بالینی در بخشهای دولتی و غیردولتی در نوبت‌های شب و ایام تعطیل با ضریب (۱/۵) محاسبه می‌گردد. مشمولین این ماده اجازه کار بیش از دوازده ساعت متوالی را نداشته و می‌توانند در صورت نیاز ماهانه حداکثر (۸۰) ساعت بر اساس دستورالعمل ماده ۲ آیین‌نامه با توافق کارفرما اضافه کاری انجام دهند. با اعمال این ضریب هیچ یک از کارکنان مجاز به صرف زمان جهت خوابیدن در طی شیفت‌های شب و ایام تعطیل نمی‌باشند. همان گونه که استحضار دارید برابر بند ۱ ماده واحده قانون ارتقاء بهره وری، ساعت کار هفتگی شاغلین موضوع این قانون با توجه به صعوبت کار، سابقه خدمت و کار در نوبت کاریهای غیرمعارف، به تناسب در هفته حداکثر تا هشت ساعت تقلیل می‌یابد. همچنین وفق ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی قانون مذکور میزان ساعات کار کارکنان مشمول

و فروش اموال تملیکی تجویز شده جملگی دلالت بر دولتی بودن کمیته مذکور دارد، بنابراین سوابق خدمات کارکنان شاغل در کمیته به عنوان سابقه دولتی قابل احتساب است و بخشنامه معترض عنه با مقررات فوق الذکر مغایرت دارد و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

مرتضی علی اشراقی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری

شماره ۰۸۹۹۰۷۰

۱۳۹۸/۴/۹

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس محترم هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

با سلام

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۰۵۱۲ مورخ ۱۳۹۸/۳/۲۱ با موضوع: «ابطال بند ۲ نامه شماره ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۰۵۱۲ مورخ ۱۳۹۴/۸/۲۷-۵/۲۰۹/۴۹۶۹ اداره کل منابع انسانی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت‌عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۸/۳/۲۱ شماره دادنامه: ۵۱۲ شماره پرونده: ۸۹۹/۹۷

مرجع رسیدگی: هیأت‌عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکي: آقای صلاح الدین بهزادی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بند ۲ نامه شماره ۲۰۹/۴۹۶۹-۵/۲۷ - ۱۳۹۴/۸/۲۷

اداره کل منابع انسانی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

گردش کار: شاکي به موجب دادخواستی ابطال بند ۲ نامه شماره ۲۰۹/۴۹۶۹-۵/۲۷ -

۱۳۹۴/۸/۲۷ اداره کل منابع انسانی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

«ریاست محترم دیوان عدالت اداری

سلام علیکم

احتراماً به پیوست تصویر بخشنامه سرپرست اداره کل منابع انسانی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به شماره ۲۰۹/۴۹۶۹-۵/۲۷ - ۱۳۹۴/۸/۲۷ با موضوعیت مغایرت با مواد ۲ و ۵ آیین‌نامه اجرایی قانون ارتقای بهره وری کارکنان بالینی نظام سلامت مصوب مجلس شورای اسلامی که در آن عنوان نموده ضریب یک و نیم ایام شب و تعطیل موضوع ماده ۳ قانون ارتقای بهره وری و ماده ۵ آیین‌نامه اجرایی قانون مذکور از ساعات موظف تعیین شده در بند ۱ نامه فوق کسر نمی‌گردد از حیث قانونی مغایر با بند ۳ قانون ارتقای بهره وری و ماده ۵ آیین‌نامه اجرایی قانون بوده در نص صریح قانونی کاهش ساعات کاری ناشی از سابقه تا ۸ ساعت تقلیل در هفته تصریح گردیده و ضرایب ۱/۵ شب کاری و ۱/۲ ناشی از ماده آیین‌نامه اجرایی قانون نیز تصریح گردیده است و عملاً شیفت‌های موظف ماهانه را مشمول ماده ۵ آیین‌نامه اجرایی و ۳ قانون از حیث ضرایب شامل ندانسته و ضرایب را فقط به اضافه کار تعمیم داده و آن را مختص ساعات موظفی ماهیانه ندانسته لذا با توجه به اینکه مغایر با نص صریح قانونی و آیین‌نامه اجرایی آن در هر دو مورد می‌باشد. ضرایب ۱/۵ ناشی از شب کاری و ۱/۲ عصر کاری را در شیفت موظفی مغفول گذاشته است تقاضای ابطال بخشنامه فوق مورد استدعا می‌باشد.»

متعاقباً آقای صلاح الدین بهزادی به موجب لایحه‌ای که به شماره ۹۷-۸۹۹-۱-۱۳۹۷/۸/۶ ثبت دفتر هیأت عمومی شده است اعلام کرده است که:

«ریاست محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

سلام علیکم

احتراماً در خصوص پرونده شماره ۰۸۹۹۰۹۷۰ (مانحن فیه ابطال بخشنامه

۱۳۹۴/۸/۲۷ - ۵/۲۰۹/۴۹۶۹ به استحضار می‌رساند:

۱- آیین‌نامه اجرایی قانون ارتقای بهره وری توسط هیأت وزیران در مورخ ۱۳۸۸/۱۰/۲۰ به تصویب رسیده است.

۱- بر اساس ماده ۲۸ قانون تأمین اجتماعی، حق بیمه سهم دولت ۲۰ درصد و سهم شاکي ۷ درصد می‌باشد که در خصوص شکایت کارکنان این سازمان و صدور حکم به محکومیت، موضوع احتساب و الزام به پرداخت حق بیمه سنوات گذشته، متأسفانه شعبات بدوی و تجدیدنظر علیرغم تقدیم لایحه دفاعیه و توضیحات مشروح مندرج در آن اقدام به صدور آراء مختلفی نموده‌اند.

۲- شعبه سوم تجدیدنظر، در پرونده شکایت آقای خلیل شهلائی ضمن صدور دادنامه شماره ۱۳۹۵/۱۳۰/۹۶۰۹۹۷۰۹۵۵۳۰۰۱۴۲-۱۳۹۶/۱/۶ با رعایت قانون، موضوع پرداخت ۷٪ حق بیمه سهم شاکي توسط خود شخص را به صراحت مورد صدور رأی قرار داده که کاملاً از بروز هرگونه ابهام در اجرای رأی جلوگیری و تکالیف شاکي و سازمان را مشخص نموده است.

۳- برخلاف رأی صدرالذکر، دادنامه شماره ۱۳۹۵/۳/۱۱-۹۵۰۹۹۷۰۹۰۱۵۰۲۱۱۴ صادره از شعبه ۱۵ دیوان عدالت اداری و دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۰۹۰۱۲۰۰۱۵۵-۱۳۹۵/۱/۳۰ به عنوان نمونه هایی از آراء صادره به حضور ایفاد که در آن علیرغم تقدیم لویح متعدد و اشاره به قوانین مجری، تکلیف موضوع به صراحت در دادنامه تعیین نگردیده و با ابهام در آراء صادره و به سبب صدور حکم کلی بدون تفکیک الزامات این سازمان و خود شاکي، موجب تحمیل بار مالی ناشی از پرداخت ۷٪ سهم شاکي به این سازمان نیز گردیده‌اند و در نتیجه در سنوات گذشته با اجرای قریب به سیصد مورد دادنامه موجب تضرر و تضییع حقوق بیت المال فراهم گردیده است.

با عنایت به مراتب فوق و استناد به بند ۲ ماده ۱۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری جهت جلوگیری از تضییع حقوق بیت المال، تقاضای طرح موضوع در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری و صدور رأی وحدت رویه مبنی بر تأیید و لازم‌الاتباع اعلام نمودن دادنامه شماره ۱۳۹۶/۱/۶-۹۶۰۹۹۷۰۹۵۵۳۰۰۱۴۲ صادره از شعبه سوم تجدیدنظر دیوان عدالت اداری از محضر مورد استدعاست.»

گردش کار پرونده‌ها و مشروح آراء به قرار زیر است:

الف: شعبه ۱۵ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۴۰۹۹۸۰۹۰۱۵۰۰۷۲۱ با موضوع دادخواست آقای محمود مونسی به طرفیت ۱- جهاد کشاورزی استان کردستان ۲- سازمان تأمین اجتماعی استان کردستان و به خواسته پرداخت حق بیمه معوقه و پذیرش و احتساب آن در سنوات به موجب دادنامه شماره ۱۳۹۵/۱۱/۳-۹۵۰۹۹۷۰۹۰۱۵۰۲۱۱۴ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

با عنایت به وظایف و مسئولیتهای اصولی سازمان تأمین اجتماعی در باب تعمیم و گسترش انواع بیمه‌های اجتماعی و استقرار نظام هماهنگ و تناسب با برنامه‌های تأمین اجتماعی و شمول قانون تأمین اجتماعی به افرادی که به هر عنوان در مقابل دریافت مزد یا حقوق کار می‌کنند و مضافاً اینکه مقررات قانون تأمین اجتماعی درباره کارکنان مشمول از بدو ورود به خدمت است و با عنایت به اینکه اشتغال شاکي نزد جهاد کشاورزی کردستان از تاریخ ۱۳۶۷/۱۱/۲۶ تا ۱۳۶۸/۱۱/۱۵ و عدم پرداخت حق بیمه محرز بوده و با وصف اشتغال شاکي و عدم پرداخت حق بیمه وی به سازمان تأمین اجتماعی و عدم احتساب سابقه وی خلاف مقررات و موجب تضییع حق مشارالیه لذا با پذیرش خواسته شاکي به استناد بند الف ماده ۴ قانون تأمین اجتماعی و آراء شماره ۵۱۸ - ۵۱۷-۱۳۸۶/۷/۱۵ و ۶۷۸ - ۱۳۸۶/۸/۸ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری و حکم به الزام سازمان جهاد کشاورزی استان کردستان نسبت به پرداخت حق بیمه شاکي طی این مدت به اداره کل تأمین اجتماعی استان کردستان و الزام اداره مزبور به دریافت و احتساب آن در سنوات پرداخت حق بیمه وی صادر و اعلام می‌نماید. این رأی به استناد ماده ۶۵ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض در شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری می‌باشد.

رأی مذکور به موجب رأی شماره ۹۶۰۹۹۷۰۹۵۶۶۰۰۰۲۲-۱۳۹۶/۱/۱۹ شعبه ۱۶ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری تأیید شده است.

ب: شعبه ۱۲ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۴۰۹۹۸۰۹۰۱۲۰۰۲۳۰ با موضوع دادخواست آقای سید مصطفی معافی مدنی به طرفیت جهاد کشاورزی کردستان و سازمان تأمین اجتماعی و به خواسته الزام طرف اول به پرداخت حق بیمه ایام اشتغال از تاریخ ۱۳۹۵/۷/۲۰ تا ۱۳۶۳/۳/۳۰ و طرف دوم به پذیرش آن و احتساب در سابقه به موجب دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۰۹۰۱۲۰۰۱۵۵-۱۳۹۵/۱/۳۰ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

آیین‌نامه ۴۴ ساعت در هفته می‌باشد و با توجه به صعوبت کار، سابقه خدمت و کار در نوبت کارهای غیرمعارف طبق دستورالعملی که به تفکیک مشاغل و نوع فعالیت توسط وزارتخانه‌های بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح تعیین و ابلاغ می‌گردد، حداکثر تا هشت ساعت در هفته تقلیل می‌یابد. این دستورالعمل در بخشهای دولتی و غیردولتی لازم الاجرا خواهد بود.

بنابراین از آنجا که سقف تقلیل ساعت کار بر اساس قانون حداکثر ۸ ساعت در هفته اعلام شده است حداکثر ۸ ساعت مذکور در ساعات موظفی کارمند مشمول قانون قابل احتساب بوده و امکان کسر ضریب ۱/۵ شب و ایام تعطیل از ساعات موظف تعیین شده وجود نخواهد داشت بلکه در کارکرد ماهانه فرد ثبت شده و ساعات کار غیرموظف محاسبه می‌گردد. در غیراین صورت مشمولین ساعت موظفی خود را صرفاً با چند شیفت شب و تعطیل تکمیل می‌نمایند که این کار نقض غرض خواهد بود. بر این اساس تصویر نامه شماره ۲۰۹/۳۴۶-د/۱۳۹۸/۱/۲۷ اداره کل منابع انسانی وزارتخانه نیز جهت استحضار و بهره برداری ایفاد می‌گردد.»

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۳/۲۱ با حضور معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

با توجه به اینکه بند ۳ قانون ارتقاء بهره‌وری کارکنان بالینی نظام سلامت مصوب سال ۱۳۸۸ مقرر کرده است که «دولت می‌تواند ساعات کار بخشهای دولتی و غیردولتی در نوبت‌های شب و ایام تعطیل را با ضریب ۱/۵ و در نوبت عصر با ضریب ۱/۲ محاسبه نماید...» و بین کسانی که ساعات موظفی خود را در نوبت‌های فوق‌الاشغال به کار دارند و یا کسانی که در ساعات غیرموظف (در قالب اضافه کار) انجام وظیفه می‌کنند، تفاوتی قائل نشده است، بنابراین از آنجایی که در ماده ۵ آیین‌نامه اجرایی قانون مذکور، هیأت وزیران دستگاه‌های مجری را مکلف کرده که ساعات کار کارکنان بالینی در بخشهای دولتی و غیردولتی در نوبت‌های شب و ایام تعطیل را با ضریب ۱/۵ محاسبه کند و لفظ (می‌تواند) در بند ۳ قانون موصوف به موجب ماده ۵ آیین‌نامه مذکور از حالت اختیار خارج و افاده تکلیف می‌کند، بنابراین بند ۲ بخشنامه مورد شکایت در مقید کردن ضرایب فوق‌الاشغال به اضافه کار برخلاف اطلاق ماده ۳ قانون یاد شده بوده و به استناد بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

مرتضی علی اشرافی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری

شماره ۹۸۰۰۵۴۳

۱۳۹۸/۴/۹

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس محترم هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

با سلام

یک نسخه از رأی هیأت‌عمومی دیوان عدالت اداری به‌شماره دادنامه ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۰۵۶۴ مورخ ۱۳۹۸/۳/۲۱ جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت‌عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۸/۳/۲۱ شماره دادنامه: ۵۶۴ شماره پرونده: ۵۴۳/۹۸

مرجع رسیدگی: هیأت‌عمومی دیوان عدالت اداری.

اعلام‌کننده تعارض: سازمان جهاد کشاورزی استان کردستان

موضوع: اعلام تعارض در آراء صادر شده از شعب دیوان عدالت اداری

گردش کار: رئیس سازمان جهاد کشاورزی استان کردستان به موجب لایحه شماره ۱/۶۷۹۱/ص - ۱۳۹۶/۳/۹ به رئیس دیوان عدالت اداری اعلام کرده است که:

«در راستای ماده ۸۹ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری و با عنایت به تعارض موجود در آراء صادره از شعبات مختلف آن دیوان به استحضار می‌رساند:

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۳/۲۱ با حضور معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

اولاً: تعارض در آراء محرز است.
ثانیاً: مطابق ماده ۳۶ قانون تأمین اجتماعی، کارفرما مسئول پرداخت حق بیمه سهم خود و بیمه شده به سازمان تأمین اجتماعی می‌باشد و مکلف است در موقع پرداخت مزد یا حقوق و مزایا سهم بیمه شده را کسر کرده و سهم خود را بر آن افزوده و به سازمان تأدیه نماید و در صورتی که کارفرما از کسر حق بیمه سهم بیمه شده خودداری کند شخصاً مسئول پرداخت آن خواهد بود. بنا به مراتب چون جهاد سازندگی در سالهای مورد ادعای شاکیان که حقوق آنان را پرداخت کرده به وظیفه مقرر در ماده ۳۶ قانون یاد شده در کسر سهم حق بیمه کارگر عمل نکرده است مکلف به پرداخت سهم حق بیمه کارگر به سازمان تأمین اجتماعی است در نتیجه آراء شعبه ۱۶ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه‌های ۱۳۹۵/۱/۱۹-۹۶۰۹۹۷۰۹۵۶۶۰۰۰۲۲ و ۱۳۹۵/۶/۲۴-۹۵۰۹۹۷۰۹۵۶۶۰۰۵۳۴ در مقام تأیید آراء شماره ۹۵۰۹۹۷۰۹۰۱۲۰۰۱۵۵ و ۱۳۹۵/۱/۳۰ و ۱۳۹۵/۱/۳۰-۹۵۰۹۹۷۰۹۰۱۵۰۲۱۱۴ شعب ۱۵ و ۱۲ بدوی صادر شده و پرداخت حق بیمه سهم کارگر بر عهده کارفرما قرار گرفته صحیح و موافق مقررات است. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۲ و ماده ۸۹ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ برای شعب دیوان عدالت اداری و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

مرتضی علی اشراقی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری

شماره ۹۸۰۰۵۰۳ ۱۳۹۸/۴/۹

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس محترم هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

با سلام

یک نسخه از رأی هیأت‌عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۰۵۶۵ مورخ ۱۳۹۸/۳/۲۱ با موضوع: «اعمال مقررات ماده ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری نسبت به رأی شماره ۴۳۷-۱۳۶۹/۵/۱۰ هیات عمومی و تسری ابطال مصوبه ابطال شده به زمان تصویب» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت‌عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۸/۳/۲۱ شماره دادنامه: ۵۶۵ شماره پرونده: ۵۰۳/۹۸

مرجع رسیدگی: هیأت‌عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکی: شرکت ابر تجارت کاسپین

موضوع شکایت و خواسته: درخواست اعمال مقررات ماده ۱۳ قانون تشکیلات و

آیین دادرسی دیوان عدالت اداری نسبت به رأی شماره ۴۳۷-۱۳۹۶/۵/۱۰ هیأت عمومی و تسری ابطال مصوبه ابطال شده به زمان تصویب آن

گردش کار: ۱- با شکایت شرکت ابر تجارت کاسپین و به موجب دادنامه شماره

۴۳۷-۱۳۹۶/۵/۱۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری بخشنامه شماره ۲۱۰۴۲۶۵-۹۱ مورخ ۱۳۹۱/۸/۱۷ سازمان توسعه تجارت ایران ابطال شده است.

۲- متعاقباً شاکی به موجب لایحه شماره ۲۶-۴۳۷-۹۶ مورخ ۱۳۹۶/۱۷/۷ ابطال

بخشنامه شماره ۲۱۰۴۲۶۵-۹۱ مورخ ۱۳۹۱/۸/۱۷ سازمان توسعه تجارت ایران را از تاریخ تصویب و در اجرای ماده ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری

درخواست می‌کند که متن آن به قرار زیر است:

در مورد شکایت شاکی به طرفیت جهاد کشاورزی کردستان و سازمان تأمین اجتماعی به خواسته الزام طرف اول به پرداخت حق بیمه ایام اشتغال از تاریخ ۱۳۵۹/۷/۲۰ تا ۱۳۶۳/۳/۳۰ و طرف دوم به پذیرش و احتساب آن به عنوان سابقه بیمه پردازی با توجه به مفاد دادخواست و ضمائم نظر به اینکه برابر رأی وحدت رویه شماره ۵۱۷-۵۱۸-۱۳۸۶/۷/۱۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری قرارداد مورخ ۱۳۷۲/۷/۱۳ منعقد فیما بین جهاد سازندگی و سازمان تأمین اجتماعی در بردارنده پرداخت حق بیمه کارکنان جهاد سازندگی از تاریخ ۱۳۵۷/۱۱/۲۲ و موافقت سازمان تأمین اجتماعی با آن و در نتیجه مشمول مقررات قانون تأمین اجتماعی در مورد کارکنان مزبور از بدو ورود به خدمت است و قطع رابطه آنان قبل از انعقاد قرارداد نافی آثار مترتب بر خدمت کارکنان مورد نظر و موجب محرومیت آنان از مزایای مربوط نمی‌باشد و طرف اول به اشتغال شاکی اذعان داشته و دفاع موثری از سوی طرف دوم به عمل نیامده لذا شکایت مطروحه وارد و ثابت تشخیص مستنداً به رأی وحدت رویه فوق الذکر و مواد ۱۰ و ۱۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری حکم به ورود شکایت صادر و اعلام می‌گردد. رأی صادره ظرف مدت بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در شعب تجدیدنظر است.

رأی مذکور به موجب رأی شماره ۱۳۹۵/۶/۲۴-۹۵۰۹۹۷۰۹۵۶۶۰۰۵۳۴ شعبه ۱۶ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری تأیید شده است.

ج: شعبه ۳۷ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۴۰۹۹۸۰۹۰۳۷۰۰۸۰۹ با موضوع دادخواست آقای خلیل شهلایی به طرفیت سازمان جهاد کشاورزی کردستان - سازمان تأمین اجتماعی کردستان و به خواسته الزام خوانده ردیف اول به پرداخت حق بیمه و خوانده ردیف دوم به پذیرش و احتساب آن به موجب دادنامه شماره ۱۳۹۵/۶/۱-۹۵۰۹۹۷۰۹۰۳۷۰۱۴۶۱ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

در خصوص شکایت شاکی علیه سازمان جهاد کشاورزی کردستان و سازمان تأمین اجتماعی کردستان مبنی بر الزام خوانده ردیف اول به پرداخت حق بیمه از تاریخ ۱۳۶۷/۹/۲۲ تا ۱۳۸۲/۱/۱ و خوانده ردیف دوم به پذیرش و احتساب آن با توجه به اینکه شاکی جهت اثبات ادعای خود به پیوست دادخواست دلایل و مدارکی ارائه داده که حکایت از اشتغال شاکی در ایام ذکر شده در نهاد مذکور دارد و با این وصف ادعای شاکی مقرون به واقعیت بوده و اشتغال نامبرده محرز و مسلم می‌باشد. لذا خواندگان به ترتیب مکلف به پرداخت حق بیمه شاکی برای ایام فوق الذکر و پذیرش و احتساب آن می‌باشد. بنابراین با عنایت به مطالب صدرالذکر و با استناد به مواد ۳۶ و ۳۹ و بند الف ماده ۴ قانون تأمین اجتماعی شکایت شاکی وارد تشخیص و حکم به ورود آن صادر و اعلام می‌گردد. رأی صادره وفق ماده ۶۵ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض در شعب تجدیدنظر دیوان می‌باشد.

در اثر تجدیدنظرخواهی از رأی مذکور شعبه ۳ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری به موجب دادنامه شماره ۱۳۹۶/۱/۶-۹۶۰۹۹۷۰۹۵۵۳۰۰۱۴۲ چنین رأی صادر کرده است:

با بررسی اوراق و محتویات پرونده و مطالب معنونه از ناحیه سازمان تجدیدنظرخواه ملاحظه می‌شود که سازمان مذکور اعلام نموده که به شرح دادنامه معترض عنه سازمان تجدیدنظرخواه ملزم به پرداخت حق بیمه شاکی بدوی از مورخ ۱۳۶۷/۹/۲۲ تا ۱۳۸۲/۱/۱ نموده است در صورتی که بر اساس توافقنامه تنظیمی با سازمان تأمین اجتماعی حق بیمه شاکی از مورخ ۱۳۶۹/۴/۱ تا ۱۳۸۲/۱/۱ پرداخت نموده است و نامه شماره ۵/۳۱/۱۰۳۹۵-۱۳۹۴/۵/۲۷ مدیر امور اداری رفاه و پشتیبانی جهاد کشاورزی نیز آن را تأیید نموده است به همین مبنا تقاضای اصلاح دادنامه صادره است علیهذا اولاً: سازمان جهاد سازندگی عهده دار پرداخت حق بیمه فاصله ۱۳۶۷/۹/۲۲ تا ۱۳۶۹/۴/۱ بوده است و دادنامه شماره ۱۴۶۱-۱۳۹۵/۶/۱ را مازاد بر مدت مذکور نقض و با اجازه حاصله از ماده ۷۶ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری اصلاح می‌نماید. ثانیاً: با توجه به اینکه سهم شاکی (آقای خلیل شهلایی) از نظر پرداخت حق بیمه به میزان ۷٪ (هفت درصد) حقوق و مزایای مستمری دریافتی می‌باشد سهم مذکور (۷٪) از میزان تعهد جهاد سازندگی کسر خواهد شد و پرداخت آن به عهده شخص نامبرده می‌باشد و بنا به مراتب موصوف و با اصلاحیه به عمل آمده حکم به رد تجدیدنظرخواهی مطروحه و حکم به تأیید و استواری دادنامه تجدیدنظر خواسته به شماره ۱۴۶۱-۱۳۹۵/۶/۱ صادره از شعبه ۳۷ بدوی با اصلاحیه به عمل آمده صادر و اعلام می‌گردد. رأی صادره قطعی است.

«ریاست محترم دیوان عدالت اداری

موضوع: درخواست اعمال ماده ۱۳ نسبت به دادنامه شماره ۴۳۷ هیأت عمومی سلام علیکم

احتراماً با توجه به اینکه رأی شماره ۴۳۷-۱۳۹۶/۵/۱۰ کلاسه ۷۶۵/۹۴ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری بر اساس خواسته شرکت ابر تجارت کاسپین به خواسته ابطال بخشنامه شماره ۳۱۰۴۲۶۵-۹۱-۱۳۹۱/۸/۱۷ دفتر مقررات صادرات واردات سازمان توسعه تجارت ایران و استرداد عوارض اخذ شده به گمرکات را نمودم که در این راستا صرفاً رأی بر ابطال صادر شده ولی در خصوص خواسته استرداد عوارض مأخوذه گمرکات رأی صادر نشده است. در این مورد استناد اینجانب به رأی اصلاحی شماره ۱۱۳۴/۱ و ۱۱۳۳-۱۳۸۹/۸/۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری است که بالصراحه استناد شده از نظر کمیسیون مصوبه ۱۰۹۳۸۴ت۳۶۳۴۱ک-۱۳۸۵/۹/۶ کمیسیون ماده ۱ آیین نامه اجرایی قانون مقررات صادرات واردات متضمن تضييع حقوق اشخاص «ماده ۲۰ قانون دیوان عدالت اداری» بوده و در رأی هیأت عمومی اتخاذ تصمیم در این قسمت مغفول مانده و ... لذا ضمن درخواست اعمال ماده ۱۳ «ماده ۲۰ سابق» نسبت به دادنامه صادره و تسريع در ابطال مصوبه از زمان تصویب رأی بر استرداد وجوده مأخوذه توسط گمرکات را با توجه به تضييع شدن حقوقم نیز خواستارم.

۳- پرونده در اجرای فراز دوم ماده ۳۵ آیین نامه اداره جلسات هیأت عمومی و هیأت های تخصصی به هیأت تخصصی اقتصادی مالی دیوان عدالت اداری ارجاع شد و پس از وصول نظریه آن هیأت، در دستور کار هیأت عمومی قرار گرفت.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۳/۲۱ با حضور معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

نظر به اینکه در رأی شماره ۴۳۷-۱۳۹۶/۵/۱۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری بخشنامه شماره ۲۱۰۴۲۶۵-۹۱ مورخ ۱۳۹۱/۸/۱۷ سازمان توسعه تجارت ایران ابطال شده است، هیأت عمومی با لحاظ درخواست شرکت ابر تجارت کاسپین و در اجرای ماده ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ و فراز دوم ماده ۳۵ آیین نامه اداره جلسات هیأت عمومی و هیأت های تخصصی و به منظور جلوگیری از تضييع حقوق اشخاص، رأی به تسری ابطال بخشنامه ابطال شده از تاریخ تصویب بخشنامه مذکور صادر کرد.

مرتضی علی اشراقی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری

شماره ۹۸۰۵۴۲

۱۳۹۸/۴/۹

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس محترم هیأت مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران
با سلام

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۰۵۶۶ مورخ ۱۳۹۸/۳/۲۱ جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۸/۳/۲۱ شماره دادنامه: ۵۶۶ شماره پرونده: ۵۴۲/۹۸

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

اعلام کننده تعارض: آقایان آقاشاهی (مشاور امور ایثارگران و مدیرکل دبیرخانه

مرکزی و دفاتر استانی دیوان عدالت اداری) و محمدحسین گلشن (مدیر دفتر نمایندگی دیوان عدالت اداری در استان یزد)

موضوع: اعلام تعارض در آراء صادر شده از شعب دیوان عدالت اداری

گردش کار: بر اساس ماده واحده قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی

ایران و جنگ تحمیلی و معلولین عادی و شاغلین مشاغل سخت و زیان آور مصوب ۱۳۶۷/۹/۱ در تعیین حقوق بازنشستگی آنان [جانبازان و ...] آخرین حقوق قبل از بازنشستگی مبنای محاسبه قرار می گیرد. در خصوص اینکه منظور از آخرین حقوق چیست، بین شعب دیوان عدالت اداری اختلاف نظر وجود دارد، لذا به جهت مذکور، درخواست رفع تعارض و صدور رأی وحدت رویه شده است.

گردش کار پرونده ها و مشروح آراء به قرار زیر است:

الف: شعب بدوی ۴۲، ۴۵، ۲۴ و ۴۷ دیوان عدالت اداری در رسیدگی به خواسته الزام به پرداخت حقوق بر اساس آخرین فیش حقوقی موضوع ماده ۲ آیین نامه اجرایی قانون نحوه بازنشستگی جانبازان و اصلاح حکم بازنشستگی به موجب دادنامه های شماره ۱۳۹۴/۵/۱۴ - ۹۴۰۹۹۷۰۹۵۷۰۰۰۸۳۶، ۱۳۹۴/۴/۱۴ - ۹۴۰۹۹۷۰۹۰۴۲۰۰۸۱۵، ۱۳۹۷/۱/۷ - ۹۷۰۹۹۷۰۹۰۲۵۰۰۰۳۴ و ۱۳۹۴/۵/۲۵ - ۹۴۰۹۹۷۰۹۰۲۴۰۱۰۳۵ استدلال که در ماده ۲ آیین نامه اجرایی قانون اصلاح قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی و معلولین عادی و شاغلین مشاغل سخت و زیان آور (موضوع تصویب نامه شماره ۲۲۶۸۶ت۳۳۷۵۰ - ۱۳۸۵/۳/۶ هیأت وزیران)، به صراحت ملاک محاسبه آخرین حقوق و مبلغ مندرج در آخرین حکم استخدامی که بر اساس ضوابط و مقررات استخدامی حاکم بر دستگاه مربوط مبنای حقوق بازنشستگی قرار گرفته است» تعیین شده، لذا ملاک محاسبه آخرین حقوق قبل از بازنشستگی جانبازان مبلغ مندرج در آخرین حکم استخدامی آنها می باشد، حکم به وارد دانستن شکایت و الزام سازمان بازنشستگی کشور به اجابت خواسته شاکیان صادر کرده اند.

آراء شماره ۳۷۷-۹۴۰۹۹۷۰۹۵۶۳۰۰۳۷۷، ۱۳۹۴/۷/۸ - ۹۴۰۹۹۷۰۹۵۶۰۰۰۲۹۱، ۱۳۹۵/۲/۲۲ - ۹۷۰۹۹۷۰۹۵۵۶۰۱۸۰۰ و ۱۳۹۴/۵/۲۵ - ۹۴۰۹۹۷۰۹۰۲۴۰۱۰۳۵ در شعب ۱۳، ۱۰، ۲۷ و ۱۵ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری عیناً تأیید شده است.

ب: شعب بدوی ۲۶، ۲۵، ۵۲ و ۳۷ در رسیدگی به خواسته الزام به محاسبه حقوق بازنشستگی بر اساس آخرین حقوق دریافتی به موجب دادنامه های ۹۴۰۹۹۷۰۹۰۲۶۰۰۹۷۴ - ۱۳۹۴/۴/۹، ۱۳۹۴/۴/۹ - ۹۳۰۹۹۷۰۹۰۲۵۰۱۲۹۱، ۱۳۹۳/۱۰/۳۰ - ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۱۲۰۱۶۵۲، ۱۳۹۲/۹/۲۰ و ۱۳۹۲/۹/۲۰ - ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۲۶۰۰۶۳۱ - ۱۳۹۱/۲/۳۰ با این استدلال که منظور از «آخرین حقوق» طبق ماده واحده قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی و معلولین عادی و شاغلین مشاغل سخت و زیان آور مصوب ۱۳۶۷/۹/۱، آخرین حقوق دریافتی اشخاص می باشد و آیین نامه نمی تواند قانون را مقید کند، لذا طبق اطلاق قانون یاد شده محاسبه حقوق بازنشستگی بر مبنای آخرین حقوق دریافتی طبق فیش حقوقی باید صورت گیرد، حکم به وارد دانستن شکایت و الزام سازمان بازنشستگی کشوری به اجابت خواسته شاکیان صادر کرده اند.

رأی شماره ۶۳۱-۹۱۰۹۹۷۰۹۰۲۶۰۰۶۳۱ - ۱۳۹۱/۲/۳۰ شعبه ۳۷ به لحاظ عدم تجدیدنظرخواهی قطعیت یافته است.

آراء شماره ۹۴۱-۹۴۰۹۹۷۰۹۵۶۳۰۰۹۴۱، ۱۳۹۴/۸/۲۳ - ۹۴۰۹۹۷۰۹۵۵۶۰۲۶۴۵، ۱۳۹۵/۸/۲۴ - ۹۳۰۹۹۷۰۹۵۵۵۰۰۳۳۲، ۱۳۹۳/۳/۲۷ - ۹۳۰۹۹۷۰۹۵۵۵۰۰۳۳۲ در شعب ۱۳، ۶ و ۱۴ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری عیناً تأیید شده است.

ج: شعبه ۱۶ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به خواسته اعتراض به نحوه برقراری مستمری بازنشستگان جانبازان به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی به موجب دادنامه شماره ۲۴۴۵ - ۱۳۸۶/۱۲/۲۷ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

با توجه به مفاد دادخواست تقدیمی و پاسخ مشکی عنه و نظر به اینکه اقدامات سازمان تأمین اجتماعی وفق ماده ۲ آیین نامه اجرایی اصلاح قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی و معلولین عادی و شاغلی مشاغل سخت و زیان آور مصوب ۱۳۸۵/۲/۱۰ بوده که ملاک محاسبه آخرین حکم استخدامی می باشد و در خصوص شاکی نیز به همین منوال اقدام گردیده است. علیهذا تخلفی از مقررات مشاهده نگردیده است و حکم به رد شکایت تقدیمی صادر و اعلام می گردد. رای صادره قطعی است.

در اجرای درخواست اعمال ماده ۱۸ قانون دیوان عدالت اداری توسط ریاست کل دیوان عدالت اداری نسبت به دادنامه صادره از شعبه مذکور، شعبه ۲ تشخیص به موجب دادنامه شماره ۳۸۵ - ۱۳۸۸/۷/۲۷ با استدلال زیر رأی مذکور را نقض می کند:

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۸/۳/۲۱ شماره دادنامه: ۵۶۷ شماره پرونده: ۹۰۸/۹۸
مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.
اعلام کننده تعارض: آقای مهدی دربین (مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری)

موضوع: اعلام تعارض در آراء صادر شده از شعب دیوان عدالت اداری
گردش کار: برابر ماده ۱۰۴ قانون مدیریت خدمات کشوری، در هنگام تعیین حقوق بازنشستگی به کارمندی که بیش از سی سال خدمت دارند به ازای هر سال خدمت ملازاد بر سی سال، دو و نیم درصد (۲/۵٪) رقم تعیین شده حقوق بازنشستگی علاوه بر حقوق تعیین شده محاسبه و پرداخت می‌گردد. بر این اساس در پی اعتراض تعدادی از اعضای هیأت علمی بازنشسته دانشگاه تهران و تقدیم دادخواست به شعب دیوان عدالت اداری مبنی بر اعمال ماده ۱۰۴ قانون مذکور، شعب دیوان عدالت اداری آراء معارضی صادر کرده‌اند.

گردش کار پرونده‌ها و مشروح آراء به قرار زیر است:
 الف: شعبه ۲ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۱۰۹۹۸۰۹۰۰۰۵۳۵۳۶ با موضوع دادخواست آقای حسین آقائی نیا به طرفیت سازمان بازنشستگی کشوری - دانشگاه تهران و به خواسته افزایش حقوق بازنشستگی با لحاظ سنوات خدمتی به موجب دادنامه شماره ۱۳۹۳/۹/۲۹ - ۹۳۰۹۹۷۰۹۰۰۲۰۱۲۲۶ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

در خصوص شکایت مطروحه به شرح فوق الذکر با توجه به مدارک ابرازی و لایحه دفاعیه طرف شکایت با عنایت به حکم بازنشستگی شماره ۱۳۸۹/۷/۱۷ - ۳۴۰۰۰۹۱۰۴ مدت خدمت شاکی ۴۶ سال و ۱۱ ماه و ۱۴ روز بوده است و مطابق ماده ۱۱۷ قانون مدیریت خدمات کشوری اعضای هیأت علمی دانشگاهی در زمان اشتغال تابع آیین‌نامه استخدامی اعضای هیأت علمی و خارج از شمول قانون اخیرالذکر می‌باشند اما در زمان بازنشستگی و از حیث مقررات بازنشستگی به جهت رعایت مواد ۱۰۹ و ۱۱۰ قانون مدیریت خدمات کشوری اعضای هیأت علمی به دلیل عدم وجود نص خاص در آیین‌نامه استخدامی اعضای هیأت علمی در موارد عام در قانون مذکور مشمول حکم مقرر در ماده ۱۰۴ قانون مدیریت خدمات کشوری می‌باشند یعنی در هنگام بازنشستگی و تعیین حقوق مربوطه به کارمندی که بیش از ۳۰ سال خدمت دارند به ازای هر سال خدمت ملازاد بر سی سال ۲/۵ درصد رقم تعیین شده حقوق بازنشستگی علاوه بر حقوق تعیین شده محاسبه و پرداخت خواهد گردید. علیهذا شعبه مستنداً به مواد ۱۰ و ۶۵ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری و احراز خدمت ملازاد بر سی سال شاکی به مدت ۴۶ سال (بدون احتساب ماههای خدمت کمتر از یک سال) حکم به ورود شکایت به شرح خواسته مطروحه صادر و اعلام می‌نماید. رأی صادره ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض در شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری می‌باشد.

رأی مذکور به علت عدم تجدیدنظرخواهی قطعیت یافت.
 ب: شعبه ۳ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۱۰۹۹۸۰۹۰۰۰۴۶۱۴۲ با موضوع دادخواست آقای حسن احمدی به طرفیت سازمان بازنشستگی کشوری - دانشگاه تهران و به خواسته افزایش حقوق بازنشستگی به موجب دادنامه شماره ۱۳۹۱/۱۱/۲۴ - ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۰۳۰۳۶۰۵ به شرح زیر رأی صادر کرده است:
 با توجه به اوراق و محتویات پرونده و مضمون لویح دفاعیه مشتکی عنهما با توجه به اطلاق ماده ۱۰۹ و ۱۱۰ قانون مدیریت خدمات کشوری در خصوص شمول قانون مذکور در مورد کلیه بازنشستگان وظیفه بگیران یا مستمری بگیران صندوق بازنشستگی کشوری که بین تخصیص حکم ماده ۱۱۷ قانون مذکور می‌باشد و با عنایت به حکم ماده ۱۴ قانون موصوف دایر بر لزوم افزایش حقوق بازنشستگان به میزان ۲/۵ درصد به ازای هر سال حکم به الزام سازمان بازنشستگی به اجرای حکم ماده ۱۰۴ از زمان استحقاق صادر و اعلام می‌گردد. در خصوص شکایت به طرفیت دانشگاه تهران به جهت عدم توجه شکایت به آن دانشگاه به استناد بند ب ماده ۲۰ آیین دادرسی دیوان عدالت اداری با لحاظ ماده ۴۸ قانون دیوان عدالت اداری قرار رد شکایت صادر و اعلام می‌گردد. این رأی بر طبق ماده ۷ قانون دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۸۵ قطعیت است.

رأی مذکور به لحاظ عدم تجدیدنظرخواهی قطعیت یافت.
 ج: شعبه ۴ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۱۰۹۹۸۰۹۰۰۰۳۱۲۶۵ با موضوع دادخواست آقای ایرج ملک پور به طرفیت سازمان

از آنجا که دادنامه شماره ۲۴۴۵ - ۱۳۸۶/۱۲/۲۷ صادره از شعبه ۱۶ دیوان عدالت اداری در خصوص خواسته شاکی به طرفیت مشتکی عنه به خواسته اعتراض به نحوه برقراری مستمری وی که منتهی به رد شکایت شاکی گردیده است استدلال شعبه صادر کننده رأی این بوده است که وفق ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی اصلاح قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی و ... مصوب ۱۳۸۵/۲/۱۰ که ملاک محاسبه آخرین حکم استخدام در پرداخت مستمری و حقوق بازنشستگی می‌باشد و در خصوص شاکی نیز به همین منوال اقدام گردیده است شکایت شاکی را مردود اعلام نموده است ولی با توجه به اینکه در قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی مصوب ۱۳۶۷/۹/۱ ملاک تعیین حقوق بازنشستگی جانبازان آخرین حقوق قبل از بازنشستگی ملاک محاسبه می‌باشد ولی در مورد شاکی ملاک آخرین حکم استخدامی وی قرار گرفته است که با عنایت به مراتب فوق وقوع اشتباه در خصوص مورد محرز و مسلم است لذا با پذیرش وقوع اشتباه در دادنامه شماره فوق به شرح مرقوم در اجرای ماده ۱۶ قانون دیوان عدالت اداری با نقض دادنامه شماره ۲۴۴۵ - ۱۳۸۶/۱۲/۲۷ صادره از شعبه ۱۶ دیوان عدالت اداری شکایت شاکی را وارد تشخیص و در نتیجه حکم بر الزام مشتکی عنه به محاسبه حقوق بازنشستگی شاکی بر مبنای آخرین حقوق دریافتی شاکی صادر و اعلام می‌نماید. این رأی قطعی است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۳/۲۱ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

الف - تعارض در آراء محرز است.
 ب - اولاً: با توجه به اینکه حقوق بازنشستگی از محل کسور بازنشستگی تأمین و پرداخت می‌شود و مبالغ مندرج در آخرین فیش حقوقی لزوماً مبنای کسور بازنشستگی نیست و آخرین مبلغ مندرج در فیش حقوقی هر شخص ممکن است در یک ماه بر اثر مطالبات یا دیون افزایش یا کاهش غیرثابت داشته باشد و مینا قرار دادن آن می‌تواند موجب تضییع حق یا تبعیض و سوء استفاده اشخاص شود. ثانیاً: هیأت وزیران در ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی قانون اصلاح قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی و معلولین عادی و شاغلین مشاغل سخت و زیان آور (موضوع تصویب نامه شماره ۲۶۸۶/ت/۳۳۷۵۰ - ۱۳۸۵/۳/۶ هیأت وزیران) به صراحت ملاک محاسبه آخرین حقوق جهت بازنشستگی جانبازان و آزادگان را که دارای احکام استخدامی می‌باشند، مبلغ مندرج در آخرین حکم استخدامی تعیین کرده است و این مقرر به دادنامه شماره ۱۵۵۶ - ۱۳۸۶/۱۲/۲۶ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مغایر قانون تشخیص داده نشده است، بنابراین آراء شعبی که برای محاسبه حقوق بازنشستگی مبلغ مندرج در آخرین حکم استخدامی که مبنای کسور بازنشستگی مستخدم است را ملاک قرار داده‌اند و نه آخرین دریافتی مستخدم بر اساس فیش حقوقی، صحیح و موافق مقررات تشخیص شد. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۲ و ماده ۸۹ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ برای شعب دیوان عدالت اداری و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدکاظم بهرامی

شماره ۹۸۰۰۹۰۸

۱۳۹۸/۴/۹

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس محترم هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

با سلام

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۰۵۶۷ مورخ ۱۳۹۸/۳/۲۱ جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت‌عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

در اثر تجدیدنظرخواهی از رأی مذکور شعبه ۱۰ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری به موجب دادنامه شماره ۱۳۹۴/۱۲/۱۶ - ۹۴۰۹۹۷۰۹۵۶۰۰۲۷۶۸ با استدلال زیر رأی مذکور را نقض می‌کند:

تجدیدنظرخواهی وارد به نظر می‌رسد زیرا اولاً؛ ملاحظه احکام مندرج در مواد ۱۰۹ به بعد قانون مدیریت خدمات کشوری مبین تخصیص امتیازاتی برای قضات و هیأت علمی بازنشسته می‌باشد که مفید این استنباط است که استثناء مندرج در ماده ۱۱۷ قانون مزبور ناظر به حقوق و مزایای زمان اشتغال اعضای هیأت علمی و قضات است و آنان پس از بازنشستگی مشمول مقررات قانون مدیریت می‌باشد و از آنجایی که خواسته تجدیدنظرخواه در مرحله بدوی مطالبه مزایایی که مربوط به زمان بازنشستگی است بنابراین مشمول احکام موصوف می‌باشد ثانیاً؛ گرچه حسب ماده ۱۱۷ قانون مدیریت خدمات کشوری اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها از شمول مقررات این قانون خارج و مشمول آیین‌نامه استخدامی خاص خود شده‌اند نظر به اینکه در مورد سنوات خدمت بیش از سی سال در آیین‌نامه مذکور هیچگونه مقرراتی وضع نشده است و بر اساس ماده ۳۴ آیین‌نامه استخدامی اعضای هیأت علمی در مورد سکوت در باب بازنشستگی باید از مقررات عام استخدامی جهت تعیین تکلیف استفاده نمود بنابراین چون قانون مدیریت خدمات کشوری قانون عام استخدامی بوده و بر مبنای ماده ۱۰۴ قانون مذکور در هنگام تعیین حقوق بازنشستگی به کارکنانی که بیش از ۳۰ سال خدمت دارند به ازاء هر سال خدمت مزاد بر ۳۰ سال باید دو و نیم درصد رقم تعیین شده حقوق بازنشستگی علاوه بر حقوق تعیین شده محاسبه و پرداخت شود بنابراین ضمن نقض دادنامه تجدیدنظر خواسته حکم به ورود شکایت و الزام طرفهای شکایت به افزایش حقوق بازنشستگی شاکی با لحاظ سنوات خدمتی مزاد بر سی سال به میزان ۲/۵ درصد بر مبنای ماده ۱۰۴ قانون مدیریت خدمات کشوری و پرداخت حقوق معوقه از تاریخ بازنشستگی تا زمان اجرای حکم صادر و اعلام می‌گردد. رأی صادره قطعی است.

هـ : شعبه ۲۱ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۰۰۹۹۸۰۹۰۰۰۸۹۳۹۵ با موضوع دادخواست آقای جواد فرهودی به طرفیت سازمان بازنشستگی کشوری و به خواسته اعتراض به کاهش حقوق بازنشستگی و درخواست الزام خوانده به اجرا و اعمال حکم ماده ۱۰۴ قانون مدیریت خدمات کشوری و پرداخت مطالبات و حقوق معوقه به موجب دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۲۱۰۰۶۱۴ - ۱۳۹۴/۳/۸ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

نظر به اینکه حسب بند (ج) ماده ۲ قانون استخدام کشوری، اعضای هیأت علمی از نظر استخدامی تابع مقررات خاص خود می‌باشند و در ماده ۳۴ آیین‌نامه استخدامی هیأت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی اعضای هیأت علمی جز در مواردی که در این آیین‌نامه تصریح شده از لحاظ مقررات بازنشستگی و حقوق و مزایای آن تابع قوانین بازنشستگی مستخدمین رسمی کشوری می‌باشند و با در نظر گرفتن اینکه در آیین‌نامه فوق‌الاشعار پیش‌بینی مقرراتی در باب سنوات خدمت بیش از سی سال و نحوه محاسبه سنوات بیش از سی سال نشده است لذا در اجرای آیین‌نامه فوق‌الذکر اعضای هیأت علمی می‌توانند از مقررات مستخدمین رسمی کشوری در باب حقوق بازنشستگی بیش از سی سال استفاده نمایند و با امعان نظر به اینکه قانون استخدام کشوری با تصویب قانون مدیریت خدمات کشوری فسخ شده است و توجهاً به اینکه در ماده ۱۰۴ قانون اخیرالذکر پیش‌بینی نحوه محاسبه حقوق بازنشستگی در سنوات بیش از سی سال شده است و بر اساس آن در هنگام تعیین حقوق بازنشستگی به کارمندی که بیش از سی سال خدمت دارند به ازای هر سال خدمت مزاد بر سی سال دو و نیم درصد رقم تعیین شده حقوق بازنشستگی علاوه بر حقوق تعیین شده محاسبه و پرداخت شود امور نظامهای جبران خدمت معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهور نیز طی نامه شماره ۱۳۲۲/۱۳۷۷۲۹ - ۱۳۸۹/۱/۱ خطاب به مدیرکل امور فنی سازمان بازنشستگی کشوری اعلام کرده اعمال ماده ۱۰۴ قانون مدیریت خدمات کشوری در مورد اعضای هیأت علمی که بیش از سی سال خدمت نموده‌اند در محاسبه بازنشستگی بلا اشکال و منطبق با مقررات قانونی بوده و قانوناً نیز سازمان بازنشستگی کشوری مکلف به تبعیت از نظر معاونت فوق‌الذکر می‌باشد علیهذا حکم به ورود شکایت و الزام سازمان بازنشستگی کشوری به اجراء و اعمال ماده ۱۰۴ قانون مدیریت خدمات کشوری و پرداخت مطالبات و حقوق معوقه شاکی صادر و اعلام می‌گردد. رأی صادره در اجرای ماده ۷ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ قطعی و لازم الاجرا است.

رأی مذکور به لحاظ عدم تجدیدنظرخواهی قطعی است.

بازنشستگی کشوری - دانشگاه تهران و به خواسته افزایش حقوق بازنشستگی به موجب دادنامه شماره ۱۳۹۱/۱۲/۲۶ - ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۰۴۰۳۱۹۸ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

در خصوص دادخواست شاکی دائر بر صدور حکم بر الزام طرفهای شکایت به افزایش حقوق بازنشستگی در قبال هر سال مزاد بر ۳۰ سال خدمت به میزان ۲/۵ درصد با توضیح اینکه عضو هیأت علمی مؤسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران بوده و در سال ۱۳۵۵ استخدام و در تاریخ ۱۳۸۹/۶/۱۵ با ۳۶ سال سابقه خدمت بازنشسته گردیده و حقوق بازنشستگی وی با اعمال مفاد ماده ۱۰۴ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶ و افزایش ۲/۵ درصدی به ازای هر سال خدمت مزاد بر ۳۰ سال برقرار گردیده اما بعد از مدتی از پرداخت ۲/۵ درصد خودداری و حقوق وی را کاهش دادند با توجه به محتویات پرونده و مفاد لایحه دفاعیه دانشگاه تهران به شماره فوق‌الذکر مبنی بر اینکه حقوق بازنشستگی نامبرده با احتساب ۲/۵ درصد به ازای هر سال مزاد بر سی سال محاسبه گردید اما سازمان بازنشستگی کشوری به دلیل عدم شمول قانون مدیریت خدمات کشوری بر اعضای هیأت علمی به استناد ماده ۱۱۷ قانون مذکور از تأیید آن امتناع و به ناچار مبادرت به اصلاح احکام صادره و کاهش حقوق وی نمودند و با التفات به مفاد لایحه دفاعیه سازمان بازنشستگی کشوری به شماره مزبور دائر بر اینکه اعضای هیأت علمی از حیث بازنشستگی و وظیفه مشمول مقررات بازنشستگی و وظیفه فصل هشتم قانون استخدام کشوری و اصلاحات بعدی آن بوده و به موجب ماده ۱۱۷ قانون مدیریت خدمات کشوری از شمول این قانون خارج هستند و افزایش ۲/۵ درصد فاقد مبنای قانونی بوده است علیهذا نظر بر اینکه اعضای هیأت علمی برابر قوانین قبلی از جمله ماده ۳ قانون اصلاح مقررات بازنشستگی و وظیفه قانون استخدام کشوری مصوب ۱۳۶۸/۱۲/۱۳ و تبصره ۴ ماده ۲ قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت مصوب ۱۳۷۰ در قبال سنوات خدمت مزاد بر سی سال از افزایش خاصی بهره مند بوده‌اند و در ماده ۳۴ آیین‌نامه استخدامی اعضای هیأت علمی دانشگاهها پیش‌بینی گردیده: در مواردی که آیین‌نامه ساکت باشد تابع قوانین و مقررات عمومی استخدام کشوری هستند و با تصویب قانون مدیریت خدمات کشوری قوانین عمومی قبلی فسخ و قانون مذکور جایگزین قوانین شده است و ماده ۱۰۴ قانون در مانحن فیه حاکمیت می‌یابد و ماده ۱۱۰ قانون مدیریت خدمات کشوری بازنشستگان اعضای هیأت علمی و قضات را مشمول این قانون تلقی نموده و جمع قوانین استنادی دلالت بر اختصاص ماده ۱۱۷ قانون در خروج اعضای هیأت علمی از شمول آن منحصر در اعضای هیأت علمی شاغل خواهد داشت و بازنشستگان مشمول آن باقی خواهند بود از طرفی ماده ۹۹ آیین‌نامه جدید استخدامی اعضای هیأت علمی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی پژوهشی و فناوری اصلاحی ۱۳۹۰ افزایش حقوق بازنشستگی به ازای هر سال خدمت مزاد بر ۳۰ سال به میزان ۲/۵ درصد تصویب و تجویز نموده است بنا به مراتب یاد شده شکایت وارد تشخیص و به استناد مواد مذکور و مواد ۷ و ۱۴ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ حکم بر الزام طرفهای شکایت به افزایش مجدد حقوق بازنشستگی شاکی به میزان ۲/۵ درصد در قبال هر سال مزاد بر سی سال خدمت صادر و اعلام می‌گردد. رأی صادره قطعی است.

رأی مذکور به علت عدم تجدیدنظرخواهی قطعی است.

د: شعبه ۲ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۲۰۹۹۸۰۹۰۰۰۳۸۸۴۰ با موضوع دادخواست آقای علیرضا طلایی به طرفیت سازمان بازنشستگی کشوری - دانشگاه تهران و به خواسته الزام به افزایش حقوق بازنشستگی به لحاظ سنوات خدمتی مزاد بر ۳۰ سال به میزان ۲/۵ درصد برای هر سال و پرداخت معوقه به موجب دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۰۹۰۰۲۰۴۱۵ - ۱۳۹۴/۵/۱۴ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

در خصوص شکایت شاکی به طرفیت مشتکی عنه و به خواسته فوق‌الذکر با التفات به جمیع اوراق پرونده و مفاد دادخواست و دلایل و مدارک پیوست آن و نظر به پاسخ و دفاع طرف اول شکایت و نظر به ماده ۱۱۷ قانون مدیریت خدمات کشوری که اعضای هیأت علمی دانشگاهها را از شمول قانون مذکور خارج دانسته است و رأی وحدت رویه شماره ۵۸۷ - ۱۳۹۰/۱۲/۲۲ هیأت دیوان عدالت اداری نیز مؤید همین مطالب می‌باشد. بنابراین خواسته شاکی مبنی بر افزایش حقوق بازنشستگی مزاد بر ۳۰ سال خدمت برای هر سال به میزان ۲/۵ درصد که مستنداً به ماده ۱۰۴ قانون مدیریت خدمات کشوری تقاضا نموده است با کیفیات موصوف وارد تشخیص نگردید حکم به رد آن صادر و اعلام می‌شود. رأی صادره وفق ماده ۶۵ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض در شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری می‌باشد.

سال خدمت به موجب دادنامه شماره ۱۳۹۰/۱۱/۸-۹۰۰۹۹۷۰۹۰۰۴۰۳۴۵۴ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

در خصوص دادخواست شاکی دایر بر صدور حکم بر الزام طرفهای شکایت به افزایش حقوق و مزایای قانونی موضوع مواد ۱۰۴ و ۱۰۶ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶ به میزان ۲/۵ درصد مربوط به ۶ سال و ۵ ماه خدمت مازاد بر ۳۰ سال خدمت با این توضیح که موکل در تاریخ ۱۳۸۹/۱۲/۱ با مدت ۳۶ سال و ۵ ماه خدمت و با سمت استاد تمامی از دانشگاه شهید بهشتی تهران بازنشسته شده است با توجه به مندرجات اوراق پرونده و مفاد لوائح دفاعیه طرفهای شکایت به شماره‌های مذکور نظر به اینکه طبق صراحت ماده ۱۱۷ قانون مدیریت خدمات کشوری اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها و ... از شمول قانون مزبور مستثنی شده‌اند و موکل شاکی نیز عضو هیأت علمی دانشگاه بوده است علیهذا الزام قانونی بر اجابت خواسته وجود ندارد شکایت غیروارد تشخیص و به استناد مواد ۷ و ۴۸ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ حکم به رد دادخواست صادر و اعلام می‌شود. رأی صادره قطعی است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۳/۲۱ با حضور معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

الف: تعارض در آراء محرز است.

ب: با توجه به اینکه اولاً: به موجب ماده ۱۱۷ قانون مدیریت خدمات کشوری، اعضای هیأت علمی از شمول مقررات قانون مذکور خارج هستند لذا به جز مواردی که به طور خاص حکمی را برای اعضای هیأت علمی مقرر کرده سایر مقررات آن در مورد اعضای هیأت علمی قابل اعمال نیست. توضیحاً اینکه بازنشستگی اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها کماکان مشمول ماده ۶ قانون اصلاح پاره‌ای از مقررات مربوط به حقوق بازنشستگی، بانوان شاغل، خانواده‌ها و سایر کارکنان مصوب ۱۳۷۹/۲/۱۳ می‌باشد که مقرر کرده: «محدودیت حداکثر پرداخت در حقوق بازنشستگی و وظیفه حذف می‌گردند و در هر حالت معدل تمامی حقوق و مزایای دریافتی که ملاک کسور بازنشستگی است در دو سال آخر خدمت با اعمال آخرین ضریب حقوق سال بازنشستگی مبنای تعیین حقوق بازنشستگی یا وظیفه خواهد بود.» در حالی که حقوق بازنشستگان مشمول قانون مدیریت خدمات کشوری ماده ۱۰۴ قانون مذکور بر آنها اعمال می‌شود. ضمناً مشمول دریافت حداکثر حقوق موضوع ماده ۷۶ این قانون نیز می‌باشد. ثانیاً: افزایش ۲/۵ درصد به حقوق بازنشستگی کارمندی که بیش از سی سال خدمت دارند موضوع ماده ۱۰۴ قانون مدیریت خدمات کشوری، یک حکم خاص در خصوص مشمولین قانون مدیریت خدمات کشوری است که با رعایت ماده ۱۰۳ بازنشسته شده‌اند و تعمیم آن به سایر کارکنان خارج از شمول قانون مدیریت خدمات کشوری مستلزم صراحت قانون است و به غیر از قانونگذار، هیچ مرجع دیگری از جمله هیأت امنای دانشگاه‌ها صلاحیت وضع مقرره‌ای را ندارد که بدون تأمین اعتبار، بار مالی بر صندوق‌های بازنشستگی تحمیل کند و بند ۳ ماده ۲۶ و بند ۲ ماده ۲۲۴ قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۸۹ و مواد متناظر آن در قانون برنامه پنجساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و سایر قوانین مربوطه بر این امر تأکید دارند. ثالثاً: حکم مقرر در مواد ۱۰۹ و ۱۱۰ قانون مدیریت خدمات کشوری متفاوت از حکم مقرر در ماده ۱۰۴ قانون مذکور است. توضیحاً اینکه قانونگذار در ماده ۱۰۹ در یک حکم خاص برای آن دسته از بازنشستگانی که تا سال ۱۳۸۵ بازنشسته یا از کار افتاده و یا فوت کرده‌اند افزایشی را در حقوق بازنشستگی آنها در صورتی که حقوقشان کمتر از حاصل ضرب ضریب ریالی دریافتی آنها که با توجه به شاخص هزینه زندگی در لایحه بودجه سالیانه پیش‌بینی شده می‌باشد، مقرر داشته است و این امر به افرادی که پس از سال ۱۳۸۵ بازنشسته شده‌اند و مشمول ماده ۱۰۴ قانون هستند ارتباطی ندارد و نحوه محاسبه آن نیز کاملاً متفاوت با روش محاسبه در ماده ۱۰۴ قانون مذکور است. ماده ۱۱۰ قانون مذکور نیز که مربوط به بازنشستگان، موظفین یا مستمری بگیران اعضای هیأت علمی و قضات بازنشسته، از کارافتاده و فوت شده در زمان تصویب قانون مدیریت خدمات کشوری می‌باشد، در صدد انطباق حقوق این افراد با ماده ۱۰۹ قانون یاد شده و افزایش آن در صورتی که مبلغ آن کمتر از حاصل ضرب ضریب ریالی موضوع ماده ۱۰۹ بوده است، می‌باشد و اساساً ارتباطی به تعیین حقوق بازنشستگان بعد از لازم الاجرا شدن قانون مدیریت خدمات کشوری ندارد. بنا به

و: شعبه ۳ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۲۰۹۹۸۰۹۰۰۳۰۸۰۴ با موضوع دادخواست آقای عبدالرسول فروزانی به طرفیت دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، سازمان بازنشستگی کشوری به خواسته اعمال و محاسبه ۲/۵ درصد به ازاء هر سال خدمت مازاد بر ۳۰ سال از سوی بازنشستگی و دانشگاه علوم پزشکی بوشهر به موجب دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۹۰۰۳۰۰۳۲۶ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

از توجه به جمعی اوراق پرونده و دفاعیات مشتکی عنهما نظر به اینکه مطابق سیاق موادی از قانون مدیریت خدمات کشوری که مربوط به دوره بازنشستگی است از جمله مواد ۱۰۹ به بعد استثناء موضوع ماده ۱۱۷ قانون یاد شده ناظر به زمان اشتغال اعضای هیأت علمی بوده و با توجه به درج عنوان اعضای هیأت علمی در موادی از قانون که مراجع [ارجاع] به بازنشستگی است این مقررات از جمله حکم موضوع ۱۰۴ شامل حال شاکی می‌گردد در نتیجه حکم به ورود شکایت شاکی و الزام خواندگان به اقدام در مورد حکم ماده قانونی موصوف در حق شاکی صادر و اعلام می‌گردد. این رأی ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری می‌باشد. در اثر تجدیدنظرخواهی از رأی مذکور شعبه ۱۰ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری به موجب دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۹۵۶۰۰۶۳۹-۱۳۹۳/۱۰/۱۶ با استدلال زیر رأی مذکور را نقض می‌کند:

نظر به اوراق پرونده و ماده ۱۱۷ قانون مدیریت خدمات کشوری که اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها را از شمول قانون مذکور خارج نموده استدلال شعبه بدوی صادر کننده رأی مبنی به این که خروج اعضای هیأت علمی از قانون مذکور ناظر به زمان اشتغال بوده و نه زمان بازنشستگی موجه نمی‌باشد چرا که اساس مقرر ماده ۱۰۳ قانون مذکور در مورد اعمال محاسبه دو و نیم درصد به ازای هر سال مازاد بر سی سال ناظر به زمان بازنشستگی است بنابراین استدلال مذکور مخدوش می‌باشد با توجه به ماده ۱۱۷ قانون مدیریت خدمات کشوری و مفاد ماده ۳ قانون اصلاح مقررات بازنشستگی و وظیفه قانون استخدام کشوری مصوب ۱۳۶۸/۱۲/۱۳ و مفاد رأی شماره ۵۸۷-۱۳۹۰/۱۲/۲۲ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری تجدیدنظرخواهی از دادنامه تجدیدنظر خواسته دارد و ضمن نقض آن حکم به رد شکایت شاکی صادر و اعلام می‌دارد. رأی صادره قطعی است.

ز: شعبه ۴۴ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۳۰۹۹۸۰۹۰۰۴۰۰۸۰۱ با موضوع دادخواست آقای ایرج ملک محمدی به طرفیت سازمان بازنشستگی کشوری و به خواسته الزام طرف شکایت به افزایش حقوق بازنشستگی با لحاظ سنوات خدمتی مازاد بر ۳۰ سال به میزان ۲/۵ درصد برای هر سال بر مبنای ماده ۱۰۴ قانون مدیریت خدمات کشوری به موجب دادنامه شماره ۱۳۹۵/۱۱/۷-۹۵۰۹۹۷۰۹۰۰۴۰۰۱۸ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

با بررسی مندرجات اوراق پرونده و مراتب مذکور در گردش کار و ملاحظه مستندات طرفین شکایت و با احراز اینکه شاکی عضو هیأت علمی دانشگاه تهران بوده است با قبول مفاد لایحه دفاعیه و مستندات قانونی مذکور در آن و استدلال به عمل آمده، نظر به اینکه به استناد ماده ۱۱۷ قانون مدیریت خدمات کشوری اعضای هیأت علمی از شمول قانون مدیریت خدمات کشوری خارج بوده و در نتیجه ماده ۱۰۴ قانون مذکور نیز شامل آنان نمی‌شود و دادنامه شماره ۵۸۷-۱۳۹۰/۲/۲۲ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری نیز صراحتاً اعضای هیأت علمی را از شمول قانون مدیریت خدمات کشوری مستثنی کرده است و به لحاظ اینکه قانون اصلاح مقررات بازنشستگی و وظیفه مصوب ۱۳۶۸/۱۲/۱۳ در خصوص اعضای هیأت علمی مورد عمل می‌باشد و حقوق بازنشستگی آنان بر اساس امتیاز ردیف آخرین مرتبه علمی و بر اساس ۳۰ سال سنوات خدمت محاسبه و پرداخت می‌گردد و شاکی نیز با مرتبه علمی «استاد» بازنشسته شده است و بر همین مبنا حقوق بازنشستگی وی پرداخت می‌شود الزام قانونی بر اجابت خواسته و اعمال ماده ۱۰۴ قانون مدیریت خدمات کشوری در مورد نامبرده وجود ندارد علیهذا شکایت غیروارد تشخیص و حکم به رد آن صادر و اعلام می‌شود. رأی صادره ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری می‌باشد.

رأی مذکور به موجب رأی شماره ۹۶۰۹۹۷۰۹۵۶۰۰۲۵۵۸-۱۳۹۶/۸/۲۷ شعبه ۲۷ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری تأیید شده است.

ح - شعبه ۴ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۰۰۹۹۸۰۹۰۰۳۲۵۷۰ با موضوع دادخواست خانم نسرین فریدونی به وکالت از آقای سعید واعظ به طرفیت وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (دانشگاه شهید بهشتی تهران) - سازمان بازنشستگی کشوری و به خواسته افزایش حقوق نسبت به مدت مازاد بر ۳۰

مراتب آراء صادر شده مبنی بر رد شکایت شاکیان به شماره ۹۰۰۹۹۷۰۹۰۰۴۰۳۴۵۴ - ۱۳۹۰/۱۱/۸ شعبه ۴، ۹۳۰۹۹۷۰۹۵۶۰۰۶۳۹ - ۱۳۹۳/۱۰/۱۶ شعبه ۱۰ تجدیدنظر، ۹۵۰۹۹۷۰۹۰۰۴۰۰۰۱۸ - ۱۳۹۵/۱/۷ شعبه ۴۴ بدوی که به شرح دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۰۹۵۶۰۰۲۵۵۸ - ۱۳۹۶/۸/۲۷ شعبه ۲۷ تجدیدنظر مورد تأیید قرار گرفته است صحیح و موافق مقررات تشخیص شد. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ برای شعب دیوان عدالت اداری و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

مرتضی علی اشراقی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری

شماره ۹۶۰۱۳۷۹

۱۳۹۸/۴/۹

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس محترم هیأت مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

با سلام

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۰۵۷۸ مورخ ۱۳۹۸/۳/۲۱ با موضوع: «ابطال وضع عوارض به میزان دو برابر در تبصره‌های ۱، ۴ و ۷ از تعرفه عوارض شهرداری در سال ۱۳۹۴ مصوب شورای اسلامی شهر آزادشهر» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد. مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۸/۳/۲۱ شماره دادنامه: ۵۷۸ شماره پرونده: ۱۳۷۹/۹۶

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکی: آقای روح الله امینی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال ۱- تبصره (۱) نحوه محاسبه و وصول عوارض و بهای خدمات سال ۱۳۹۴ شورای اسلامی شهر آزادشهر در خصوص عوارض احداث یک مترمربع از واحد تجاری با ارتفاع و دهنه مجاز

۲- تبصره (۷) نحوه محاسبه و وصول عوارض و بهای خدمات سال ۱۳۹۴ شورای اسلامی شهر آزادشهر در خصوص عوارض زیربنا احداثی صدور پروانه ساختمانی مجتمع

۳- تبصره (۴) نحوه محاسبه و وصول عوارض و بهای خدمات سال ۱۳۹۴ شورای اسلامی شهر آزادشهر در خصوص عوارض پیش آمدگی (کنسول، بالکن، تراس) از

مصوبات شورای اسلامی شهر آزادشهر

گردش کار: شاکی به موجب دادخواستی ابطال تبصره‌های ۱، ۴ و ۷ نحوه محاسبه و وصول عوارض و بهای خدمات سال ۱۳۹۴ از مصوبات شورای اسلامی شهر آزاد شهر را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

«ریاست محترم دیوان عدالت اداری

سلام علیکم

احتراماً به استحضار می‌رساند شهرداری آزادشهر طی دفترچه اعلام تعرفه، نحوه محاسبه و وصول عوارض و بهای خدمات نسبت به تعیین و محاسبه برخی عوارض تخلفاتی انجام داده که به شرح ذیل می‌باشد. با توجه به تبصره ۱ نحوه محاسبه عوارض احداث یک مترمربع از واحدهای تجاری با ارتفاع و دهنه مجاز پس از رسیدگی در کمیسیون ماده صد و صدور رأی به جریمه بر اساس فرمول مندرج در دفترچه مذکور به نرخ دو برابر قیمت روز اخذ شود که خلاف شرع و قاعده لاضرر می‌باشد. همچنین تبصره ۷ نحوه محاسبه عوارض زیربنا احداثی صدور پروانه ساختمانی مجتمع‌ها و آپارتمانهای مسکونی و تبصره ۴ نحوه محاسبه عوارض پیش آمدگی (کنسول، بالکن و تراس) نیز به صورت اخذ دو برابری جریمه می‌باشد که همگی برخلاف ماده ۴ قانون تنظیم مقررات مالی دولت است، لذا از آن عالیجنابان استدعا دارم نسبت به بی عدالتی صورت گرفته توسط شهرداری طرف شکایت اقدام لازم را مبذول فرمایید. ضمناً خواهشمندم در صورت امکان حکم به ابطال از تاریخ تصویب داده شود چرا که از تاریخ تصویب تاکنون مبالغ زیادی در این خصوص از جانب ایشان اخذ شده است. همچنین خواهان صدور دستور موقت جهت رفع اثر از تبصره‌های فوق الذکر تا صدور رأی نهایی دیوان عدالت اداری می‌باشم.»

متن تعرفه‌های مورد اعتراض به قرار زیر است:

عوارض احداث بنای یک مترمربع از واحد تجاری با ارتفاع و دهنه مجاز:

«تبصره ۱:»

در محاسبه عوارض پذیره تجاری و خدماتی پرونده‌های ارجاعی از کمیسیون ماده ۱۰۰ که منجر به صدور جریمه می‌گردد فرمول فوق دو برابر می‌گردد.

عوارض پیش آمدگی (کنسول، بالکن، تراس)

«تبصره ۴: مالکین املاکی که به صورت غیرمجاز بالکن یا پیش آمدگی احداث می‌نمایند و حسب آرای قطعی کمیسیونهای ماده ۱۰۰ قانون شهرداریها و محاکم قضایی و اداری به دلیل عدم ضرورت قلع بنا جریمه می‌گردند علاوه بر پرداخت جرایم مقرر مشمول پرداخت عوارض پیش آمدگی با ضریب ۲ برابر جدول فوق می‌باشند.»

عوارض زیربنای احداثی اعیانی صدور پروانه ساختمانی مجتمع‌ها و آپارتمانهای مسکونی:

«تبصره (۷): در محاسبه عوارض زیربنای مسکونی پرونده‌های ارجاعی از کمیسیون ماده ۱۰۰ که منجر به صدور جریمه می‌گردد علاوه بر فرمول فوق دو برابر نیز اضافه می‌گردد.»

علی رغم ارسال نسخه ثانی شکایت و ضمائم آن برای طرف شکایت تا زمان رسیدگی به پرونده در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری هیچ پاسخی از طرف شکایت واصل نشده است.

در اجرای ماده ۸۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ پرونده به هیأت تخصصی شوراهای اسلامی دیوان عدالت اداری ارجاع شد و

هیأت مذکور در خصوص خواسته شاکی، تبصره ۱ نحوه محاسبه عوارض احداث یک

مترمربع از واحد تجاری، ارتفاع و دهنه مجاز و تبصره ۷ نحوه محاسبه عوارض زیربنای

احداثی صدور پروانه ساختمانی و تبصره ۴ نحوه محاسبه عوارض پیش آمدگی، به استثناء

عوارض پیش از یک برابر در تبصره‌های مذکور از تعرفه عوارض شهرداری آزادشهر در سال

۱۳۹۴ از مصوبات شورای اسلامی شهر آزادشهر را مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات

ندانسته است و به استناد مواد ۱۲ و ۸۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت

اداری به موجب دادنامه شماره ۴۰۴ - ۱۳۹۷/۱۲/۱۴ رأی به رد شکایت شاکی صادر کرده

است. رأی مذکور به علت عدم اعتراض از سوی رئیس دیوان عدالت اداری و یا ده نفر از

قضات دیوان عدالت اداری قطعیت یافته است.

رسیدگی به عوارض بیش از یک برابر در تبصره‌های مذکور از تعرفه عوارض

شهرداری آزادشهر در سال ۱۳۹۴ از مصوبات شورای اسلامی شهر آزادشهر در دستور کار

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری قرار گرفت.

در خصوص ادعای مغایرت موضوع تبصره ۱ عوارض احداثی بنای یک مترمربع از

واحد تجاری با ارتفاع و دهنه مجاز، تبصره ۷ عوارض زیربنا احداثی اعیانی صدور پروانه

ساختمانی مجتمع‌ها و آپارتمانهای مسکونی و تبصره ۴ عوارض پیش آمدگی (کنسول،

بالکن، تراس) از تعرفه نحوه محاسبه و وصول عوارض و بهای خدمات سال ۱۳۹۴ شورای

اسلامی شهر آزادشهر با شرع مقدس اسلام، قائم مقام دبیر شورای نگهبان به موجب

لایحه شماره ۹۷/۱۰۲/۶۹۵۳ - ۱۳۹۷/۶/۲۲ اعلام کرده است که:

«در صورتی که برای شورای شهر حق جعل چنین عوارضی باشد به شرط آن که

مقدار آن اجحاف نباشد خلاف شرع دانسته نشد. تشخیص اینکه برای شورای شهر حق

جعل عوارض در این گونه موارد هست یا خیر با دیوان عدالت اداری است.»

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۳/۲۱ با حضور معاونین دیوان

عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و

بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

با توجه به اینکه در آراء متعدد هیأت عمومی دیوان عدالت اداری وضع عوارض به میزان

بیش از عوارض صدور پروانه‌های ساختمانی مثل یک برابر بیشتر در مصوبات شوراهای اسلامی

شهرها مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات تشخیص و ابطال شده است، بنابراین مصوبه

شورای اسلامی شهر آزاد شهر مبنی بر وضع عوارض به میزان دو برابر (که یک برابر آن بیشتر

از عوارض وضع شده برای پروانه‌های ساختمانی است) در تبصره‌های ۱، ۷ و ۴ از تعرفه عوارض

شهرداری در سال ۱۳۹۴ مصوب شورای اسلامی شهر آزادشهر به دلایل مندرج در رأی شماره

۱۰۳۰ - ۱۳۹۶/۱۰/۱۲ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مغایر قانون و خارج از حدود

اختیارات قانونی است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۱۳ و ۸۸ قانون تشکیلات و آیین

دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ از تاریخ تصویب ابطال می‌شود.

مرتضی علی اشراقی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری